



آموزش

۲. ♦

دوره پنجم / شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۸۰۰۰ نسخه



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

برای مربیان مراکز پیش دبستانی، دانشجوین، کارشناسان آموزشی و والدین

E-mail: pishdabestani@roshdmag.ir
www.roshdmag.ir

مدیرمسئول: محمدناصری
سرپرست: فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی مجدفر
مرتضی طاهری
فریده عصاره
مسعود تهرانی فرجاد
مدیر داخلي: شهلا فیهیمی
ویراستار: ملیحه حجازی بخش
طراح گرافیک: مهسا قبايي

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روز نگذرد و با خط خوانا نوشته و با نامشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نام‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌ها و کلمات غنی و دقیق لازم مبذول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان یا خود نویسنده چاب مناسب تشخیص داده نمی‌شود. ● مقاله‌ها باید

تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
 کد مدیر مسئول: ۱۰۲
 کد دفتر مجله: ۱۱۳
 کد امور مشترکین: ۱۱۴

شهریه مراکز آموزشی؛ چگونه و چرا؟ ۲ / سردبیر
به والدین هم بگویند! ۴ / مسعود تهرانی فرجاد
مربی مهد کودک، یک در مانگر ۸ / شفا امینی هرندي
گنجشک لالا... سنجاب لالا ۱۰ / حسین غلامپور
تأثیر خواب بر یادگیری کودک لالا ۱۴ / محسن غلامپور
کمر رویی در کودک ۱۶ / فاطمه رجبی
چیدمان کلاس، اوج یادگیری و سرگرمی ۲۱ / چریتی پرستون امینا مفیدی
سیکهای ارتباط کودک و خانواده با مراکز پیش دبستانی ۲۴ / دکتر مرجان گورزی
اماهگیری و تربیت کودک کشور ۲۶ / فریده عصاره
کودک بین خانه و کودکستان تفاوت می بیند ۳۰ / سیده فاطمه نامجوی
اسباب بازی، ابزاری جادویی ۳۴ / اسمیه در
برنامه آموزشی «های اسکوپ» ۳۸ / سعید شایگان دوست
آموزش پیش دبستانی در مالزی ۴۲ / دکتر محمد آرشد، فاطمه بهرامی
خانۀ کودک مجتمع آموزشی شهید مهدوی ۴۰ / معرفي نشریه ۳۷
یک تجربه ۴۶ / جمیله جامی الاحمدی
قصه و کودک پیش دبستانی ۴۷ / نسرین قلمی
معرفي کتاب ۴۸ / چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

نشانی دفتر مجله : تهران، ایرانشهر شمالی،

۲۶۶ ہلاک

صندوق یستی، ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلف: ۸۸۴۹۰۲۳۴

نشانی، امور مشترکین: تهران، صندوق پستی، ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۵-۷۷۳۳۶۶۵۶

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



شهریه مراکز آموزشی؛

سلام؛

مهرماه که نزدیک

می شود، شوق بازگشایی

مراکز آموزشی و تربیتی در وجود کودکان

و خانواده ها گل می کند. شور و حال خاصی است

و همیشه هم تدابیر خاصی در جامعه، محیط های فرهنگی و

خانواده ها برای ورود کودکان و نوآموزان اندیشیده می شود. مبارک

باد این نخستین دیدار و آشنایی؛ تبریک و شادباش فراوان که زمان

مهر و دوستی فرا می رسد و مهرورزی ها نیز دوباره آغاز می شوند.

اما دغدغه هایی هم هست که توجه به آن ها ضرورت دارد.

- بسیاری از خانواده ها از گرانی شهریه ها و هزینه ها یاد می کنند.

از قدیم شنیده ایم که هر گرانی بی علت نیست؛ علت ها کدامند؟

شاهدیم که خانواده ها برای پیدا کردن یک مرکز تربیتی که

با وضعیت اقتصادی شان تناسب داشته باشد و در عین حال از آن

راضی نیز باشند، تلاش زیادی می کنند که گاه تلخی هایی هم دارد.

معمولاً در حسابرسی و مسئولیت ذهنی برای گرانی و

قیمت گذاری امر تربیت، باید به سهم خدمات و تقاضا توجه داشت

اما متأسفانه آنچه می بینیم و می شنویم پاسخگوی سؤالات جامعه

و خانواده ها نیست.

به راستی، سهم نشاط و شادمانی، سلامتی، یادگیری اثربخش،

برنامه ریزی متناسب با اهداف آموزشی، فضای مطلوب و سازماندهی

محیط استاندارد، تفکر انتقادی و پرورش خلاقیت در کودکان،

مشارکت والدین، استعدادیابی و فراهم کردن زمینه های مناسب

برای شکوفایی و گذشته از این ها، **سهم انسان سازی** را در فرایند

تعیین شهریه و قیمت گذاری خدمات آموزشی در نظر گرفته ایم؟

چه کسی پاسخ گوست؟

• بارها گفته ایم که خودفهمی حرفه ای کارگزاران امر تربیت

کودکان، به ویژه از سال های پایه، با میزان رضایت از کار و ارتباط با

خانواده ها و یادگیری کودکان ارتباط تنگاتنگی دارد. در کنار تغییرات

و تحولات اخیر، این دغدغه وجود دارد که تا چه حد در مورد درک

مربیان و مسئولان آموزشی از شغل و حرفه و مسئولیت های شان کار

شده است. نوزایی و تجدید حیات و تغییرات جدید نیازمند به وجود

آوردن نوعی احساس درونی نسبت به ارزش ها و پی بردن به فلسفه

تربیت انسان است. آیا مربیان، مدیران و مسئولان آموزشی، به اصول

حاکم بر این تغییرات واقف اند؟



چگونه و چرا؟

سردبیر

- چه گفتمان
اساسی‌ای در این مورد با آن‌ها صورت
گرفته است؟
- و...

● بحران افول کیفیت شایع شده است؛ علت چیست؟
ظاهراً تا حدی تنوع رو به تزاید مراکز و برنامه‌ها موجب
نابسامانی‌هایی در خدمت‌رسانی مطلوب و به‌حق شده است. مراکز،
سازمان‌ها و افراد بسیاری خودسرانه عمل می‌کنند. چه کسی
پاسخ‌گوست؟

اهداف و برنامه‌های مراکز استعدادیابی، مراکز زبان‌آموزی از دوره
جنینی، مراکز پیش‌بینی و پیش‌گویی موفقیت کودکان و مراکز
معجزه‌آفرین دیگر را چه کسانی کنترل و بررسی می‌کنند؟ حامیان
این مراکز چه کسانی هستند؟

آیا خروجی این برنامه‌های جدید ارزیابی شده است؟ به‌وسیله
چه کسانی؟ و سرانجام، آیا کار و خدمت در این مراکز نوین پیچیدگی
خاص تربیتی ندارد و شایستگی، دانش و آگاهی و مهارت روزافزونی را
نمی‌طلبد؟ چرا که هر کدام رقیب‌های هراسناکی را برای خود تصور
می‌کنند و تا حد زیادی بنگاهی عمل می‌کنند. به این ترتیب، آیا این
تصور را به‌وجود نمی‌آورند که مهدها و کودکان‌های بنگاهی پدید
آمده‌اند که همگون‌سازی فرهنگی آن‌ها دشواری‌هایی دارد؟

مطمئناً عقل سلیم روزآمد بودن، تنوع معقول و دانش و روش
جهانی متناسب با فرهنگ را پذیراست اما تقلید، تطبیق و توزیع
نوآوری‌های فناورانه نیز نیازمند توجه به ارزش‌های فرهنگی است و
صد البته باید بیشتر بیندیشیم و به هدف‌های تربیت یک انسان از
سطوح پایه بیشتر توجه کنیم.

سال تحصیلی جدید را به همه خوانندگان و علاقه‌مندان کودکان،
مربیان، مدیران، دانشجویان و خانواده‌ها تبریک فراوان می‌گوییم و
آینده تربیتی زیبا و امیدبخشی را برای همگان آرزو می‌کنم.

در این فصل جدید، نیز مناسبت‌های متنوعی همچون ولادت
ائمه اطهار (ع)، عید سعید قربان، عید سعید غدیر خم، روز خانواده، ایام
محرم، روز کتاب و کتاب‌خوانی، شب یلدا و... در روز شمار آموزشی
و اجتماعی وجود دارد که جا دارد مسئولانه برای آن‌ها برنامه‌ریزی
کنیم و برای کودکان خاطره‌هایی تأثیرگذار ضمن یادگیری بیافرینیم.
از همه تلاشگران در شورای برنامه‌ریزی و هیئت تحریریه مجله نیز
سپاسگزارم که چون همیشه برای رشد و اعتلای کودکان و
خانواده‌ها کار می‌کنند.

با آرزوی توفیق



اشاره

چگونگی همراهی و مشارکت والدین در مأنوس شدن کودکان با قرآن کریم از دغدغه‌های اساسی مربیان و دست‌اندرکاران دوره پیش دبستان است. در دوره‌های آموزشی تبیین برنامه انس با قرآن در دوره پیش دبستان ویژه مربیان و جلسات دیگری که برگزار می‌شود، مکرر بر این نکته تأکید می‌گردد که «به والدین هم بگویید».

کلیدواژه‌ها: انس کودکان با قرآن، فعالیت‌های قرآنی، برنامه درسی

از هم‌زبانی تا همدلی

اگر از ما سؤال شود که دوست داریم فرزندانمان چه نگرش و باوری به تعالیم آسمانی داشته باشند و چه رابطه‌ای بین آنان و قرآن کریم برقرار باشد، بی‌شک بر علاقه‌مندی و مأنوس شدن آن‌ها بیش از هر هدف دیگر تأکید داریم، اما چرا کودکانمان کمتر به سرمنزل انس با قرآن می‌رسند؟



مسعود تهرانی فرجاد

به والدین هم بگویید!



آنچه والدین، به‌ویژه مادران، باید به آن توجه کنند این است که

• دوره پیش‌دبستانی به‌جای دوره ابتدایی نیست

همه ما به‌خوبی می‌دانیم که مراحل آموزش باید روال منطقی و پیوستگی معقولی داشته باشند و این مهم در دوره کودکی از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است؛ یعنی مسیر آموزش یا به‌اصطلاح توالی محتوای آموزش باید به‌طور منطقی رعایت شود. در واقع، پیش‌دبستان نباید به‌دنبال اهداف و وظایف مربوط به دوره ابتدایی باشد. چون در این صورت تداخل و تعارض در یادگیری ایجاد می‌شود. به‌همین منظور، محتوا و برنامه‌های دوره پیش‌دبستان نباید در برگیرنده فعالیت‌ها و برنامه‌های قرآنی و مطالب و برنامه‌های دوره ابتدایی باشد بلکه باید بر جنبه‌هایی تأکید کند که به انس و علاقه کودکان به قرآن کریم منجر می‌شوند.

• با مربی فرزندان همدلی نمایی و به او اعتماد کنید

از اساسی‌ترین عوامل در تعلیم و تربیت پیوند و همدلی مؤثر بین والدین و مربی است. والدین باید با اعتماد به تلاش مربی مجرب، در تحقق انس کودکان با قرآن کریم همراهی نمایند. به‌همین منظور لازم است از مربی فرزندان بخواهند تا آنان را از اهداف، محتوا و روش‌های مناسب، که در برنامه انس با قرآن کریم دوره پیش‌دبستان مصوب شورای عالی آموزش و پرورش بیان شده است، آگاه نمایند.

• الگوی کودکان باشیم

به‌خوبی می‌دانیم که رفتار بیش از گفتار در تربیت کودکان مؤثر است و آنان تمام رفتارهای ما را مشاهده می‌کنند. به‌همین اعتبار ما والدین باید به دور از رفتارهای مصنوعی نسبت به خواندن روزانه قرآن، انس آشکار با آن و رعایت آداب ارتباط با این کتاب زندگی همت و دقت داشته باشیم.

بدیهی است که اشکال در تعیین هدف مبنی بر «ایجاد انس و علاقه به قرآن کریم» نیست بلکه باید راه و روش‌ها را بررسی کنیم.

از ساده‌ترین و مؤثرترین راه‌ها برای مأنوس شدن فرزندان با قرآن کریم این است که همچنان که با مربی کودکان در تعیین هدف مذکور هم‌زبانی داریم، همدلی نیز داشته باشیم. مربی مجرب می‌داند که در هفت سال اول زندگی انس با قرآن مقدم بر آموختن آن است. او به‌خوبی می‌داند هدف اصلی در دوره پیش‌دبستان ایجاد علاقه به قرآن کریم و یادگیری آن است نه لزوماً آموزش دادن آن. بر این اساس، در برنامه انس با قرآن کریم حد خاصی از یادگیری مدنظر نیست.

مربی مجرب کودک شما را فقط با خودش مقایسه می‌کند و در فرایند برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآن همه کودکان را موفق می‌داند و از قهرمان‌پروری و طبقه‌بندی نواآموزان می‌پرهیزد. مربی فرزند شما در انتخاب محتوا و روش‌های مناسب بر فعالیت‌های شفاهی و عملی در مقایسه با فعالیت‌های نوشتاری و کتبی (مداد و کاغذ) تأکید دارد. او به‌خوبی می‌داند دوره پیش‌دبستان زمینه ورود کودک به آموزش‌های رسمی است. از این‌رو، به‌طور منطقی باید بین این دو دوره ارتباط و توالی ایجاد شود نه تداخل؛ و بالاخره، اینکه مربی مجرب باور دارد که والدین نواآموزان او در مأنوس شدن کودکان با قرآن کریم با او هم‌زبانی دارند اما همه همدلی ندارند. به‌خاطر همین است که با تحمیل سلیقه‌ها و نگرش‌هایی از سوی والدین مواجه می‌شود و بعضاً لازم می‌داند برای جلب نظر آنان از شیوه‌ها و محتواهایی استفاده کند که با رویکرد انس با قرآن مغایرت دارد؛

در این صورت است که مربی و نواآموزانش به‌طور ناخودآگاه از مسیر تحقق هدف مأنوس شدن و علاقه‌مندی به قرآن فاصله می‌گیرند و صرفاً به آموزش قرآن سوق می‌یابند. حال آنکه والدین و به‌ویژه مادران باید با شناخت کامل و دقیق از تبیین برنامه انس با قرآن کریم تأیید شده توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هم‌زبانی خود را به همدلی با مربیان برسانند. در چنین شرایطی، مربی مجال خواهد یافت که با پرهیز از افراط و تفریط، محتوا و روش‌های مناسبی را انتخاب کند که با برنامه مصوب انس با قرآن کریم در دوره پیش‌دبستان همسو باشد. نقطه مقابل این راهکار، بی‌اطلاعی والدین از ابعاد و عناصر مؤثر در مأنوس شدن کودک با قرآن، اکتفا کردن به توانایی‌های سطحی، تحمیل غیرمستقیم خواسته‌های خود و تأکید بر کسب مهارت‌های خاص به‌جای ایجاد نگرش و علاقه‌مندی به قرآن است.

مربی
مجرب،
کودک
شما را فقط
با خودش
مقایسه می‌کند و
در فرایند برنامه‌ها
و فعالیت‌های قرآن
همه کودکان را
موفق می‌داند و
از قهرمان‌پروری
و طبقه‌بندی
نواآموزان
می‌پرهیزد



گزارش بازدید از مدرسه فرهیختگان پویا

کودکان کم‌توان در مدارس عادی شادی و موفقیت بیشتری دارند

گزارش: سمیه دژ

آماده‌سازی کودکان کم‌توان ذهنی

با توضیحات آقای جوادی دریافتیم برای هریک از دانش‌آموزان وقت جداگانه‌ای صرف می‌شود. معلمان در کلاس‌ها به یک یا چند کودک آموزش می‌دهند و تلاش می‌کنند آن‌ها را به حداقل قبولی برسانند. این کودکان پس از آموزش می‌توانند در کنار کودکان عادی به تحصیل بپردازند که کمترین نتیجه آن تقویت اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه بیشتر در آنان است.

آموزش مهارت‌ها از طریق قصه، شعر و کاردستی

پس از زنگ ورزش، نوبت به کاردستی، شعر و قصه رسید و به ما اجازه دادند از نزدیک نحوه آموزش به این کودکان را ببینیم. بچه‌ها وارد کلاس شدند و به شکل دایره کنار یکدیگر نشستند. خانم معلم با صبر و حوصله‌ای مثال‌زدنی برای بچه‌ها قصه می‌گفت و آن‌ها با اشتیاق و گاهی همراه با شیطنت گوش می‌کردند و به پرسش‌های معلم پاسخ می‌گفتند. بعد از خواندن شعر، بچه‌ها به کمک معلم خود کاردستی‌هایی درست کردند. بعضی از این کاردستی‌ها چندان شسته و رفته نبودند اما اشتیاق کودکان برای بهتر شدن، به آن‌ها انگیزه می‌داد.

در یکی از روزهای بهار امسال اعضای کمیته تألیف و برنامه‌ریزی درسی آموزش و پرورش راهی یکی از مدارس ابتدایی تهران شدند تا شرایط ویژه این مدرسه را از نزدیک مشاهده کنند. در واقع، این گروه می‌خواست دلیل ویژه بودن مدرسه فرهیختگان پویا را دریابد و ضمن گفتن «خسته نباشید» به مسئولان مدرسه، از وضعیت دانش‌آموزان و نحوه آموزششان آگاه شود و همچنین، از طریق این تجربیات مدرسه را به دیگران معرفی کند. مدرسه پسرانه غیردولتی فرهیختگان پویا با دیگر مدارس ابتدایی تهران فرق می‌کند؛ چرا که مسئولان این مدرسه تلاش می‌کنند تا کودکان کم‌توان ذهنی و کودکان مرزی را با دادن آموزش‌های لازم به سطح قابل قبولی برسانند. پس از دریافت این آموزش‌ها، این کودکان می‌توانند در کلاس‌های عادی و در کنار کودکان عادی به کسب علم و مهارت‌های زندگی بپردازند.

ورود به مدرسه

در بدو ورود، مسئولان مدرسه از گروه استقبال گرمی کردند. ما با ورود به مدرسه قدم به دنیایی گذاشتیم که با وجود تمام تفاوت‌ها و تازگی‌ها با آن بیگانه نبودیم. دیدن بچه‌ها ما را به دوران کودکی برد. زنگ ورزش بود و آقای جوانی تلاش می‌کرد در خلال بازی‌های کودکانه مطالبی را به دانش‌آموزان بیاموزد. کودکان سرشار از زندگی و طراوت به این طرف و آن طرف می‌دویدند و حضور ما توجه آن‌ها را جلب کرده بود. پس از توضیحات آقای جوادی، یکی از مسئولان مدرسه، دریافتیم که کودکان

کم‌توان ذهنی، مرزی و اوتیسم هستند که بعد از ظهرها به این مدرسه می‌آیند. کلاس‌های تلفیقی (کلاس‌های مشترک کودکان کم‌توان ذهنی و کودکان عادی) نیز صبح‌ها تشکیل می‌شود.



آموزگار خرسند از نتیجه زحماتش

زنگ تفریح بچه‌ها بود و ما به طبقه اول رفتیم که در آنجا کلاس‌های عادی و تلفیقی تشکیل می‌شود. متأسفانه، کلاس‌های نوبت صبح تعطیل شده بودند و ما ضمن بازدید از کارگاه نقاشی و کلاس‌های دیگر، فقط توانستیم با یکی از معلمان خانم صحبت کنیم. وی از شاگردانش گفت؛ از اینکه در چه سطحی بوده‌اند و حالا چه می‌کنند. بعد هم در حالی که شادمانی و غرور در چشمانش موج می‌زد، گفت که تحقیقات، مطالعات و تجربیاتش به وی کمک می‌کند که دانش‌آموزان را بهتر آموزش دهد.

پرسش و پاسخ، حسن ختام بازدید

در آخر، در یکی از کلاس‌ها مانند روزگاری نه‌چندان دور روی نیمکت‌ها نشستیم و به دوره دانش‌آموزی‌مان بازگشتیم. کلاس در عین سادگی زیبا بود و در و دیوارش با کاردستی بچه‌ها، نتایج و برنامه روزانه‌شان تزیین شده بود. خانم معلم با افتخار دست‌خط دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی خود را به ما نشان داد و از پیشرفت‌هایشان برآیمان گفت. مسئولان مدرسه از موفقیت‌هایشان، مشکلات و موانع موجود، همکاری و تعامل اولیا و در نهایت از کودکانی گفتند که با وجود همه مشکلات پیش‌رو، حق حیات و یادگیری دارند. کودکان معصومی که شاید دیرتر از دیگران بزرگ می‌شوند و برای پیروزی در کارزار دنیا مهارت‌های کمتری دارند. کودکانی که استعدادهای بسیاری دارند و باید با صبر و حوصله به کشف این استعدادها پرداخت. حسن ختام این بازدید پرسش و پاسخ میان بازدیدکنندگان و مسئولان بود که در نتیجه آن به بسیاری از ابهامات موجود در ذهن ما پاسخ داده شد و در نهایت، مدرسه را با قلبی پر از امید و آرزو برای فرزندانمان

ترک کردیم. اعضای کمیته برنامه‌ریزی که در این بازدید ما را همراهی کردند، عبارت‌اند از:

- دکتر فرخنده مفیدی، سر دبیر فصلنامه رشد آموزش پیش‌دبستانی و عضو کمیته تألیف و برنامه‌ریزی درسی پیش‌دبستان
- دکتر فاطمه رضائی، معاون دوره ابتدایی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی آموزشی
- مرتضی طاهری، مسئول گروه پیش‌دبستانی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی آموزشی و عضو شورای برنامه‌ریزی مجله رشد آموزش پیش‌دبستانی
- مسعود تهرانی فرجاد، کارشناس گروه



عکس‌ها: اعظم لاریجانی

- قرآن دفتر تألیف و و برنامه‌ریزی آموزشی و عضو شورای برنامه‌ریزی مجله رشد آموزش پیش‌دبستان
- خانم پورسلطانی، کارشناس سازمان استثنایی کشور
- خانم دشت‌آبادی، کارشناس ارزیابی از عملکرد مراکز پیش‌دبستانی
- شیرین فاضلی، کارشناس گروه پیش‌دبستانی دفتر تألیف و برنامه‌ریزی آموزشی



کلیدواژه‌ها: درمانگر، فقر فرهنگی، روش درمانی.

کودکان دیگر نشان نمی‌داد. او مانند اطفال دیگر می‌دوید و به گفت‌وگو می‌پرداخت. از وسایل بازی نیز لذت می‌برد و استفاده می‌کرد. او به تدریج، در تمام فعالیت‌های مهد کودک شرکت می‌کرد و با همسالانش روابط عاطفی و اجتماعی عادی برقرار می‌نمود.

در این زمان نمی‌توانیم میزان موفقیت کاربرد رفتار درمانی را به‌وسیله مربی مهدها ارزشیابی کنیم؛ به‌خصوص اینکه این روش هنوز در کشورهای شرقی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و غالب تحقیقات در این زمینه به ایالات متحده آمریکا محدود می‌شود، ولی مسلم است که نتایج بسیار جالب و چشمگیر بوده است.

نقش معلم

نقش معلم در هدایت کودکانی که دچار فقر فرهنگی هستند، نهایت اهمیت را دارد. معلم چنین کودکانی باید از نظر تعلیمی ویژگی‌هایی متفاوت از معلمان دیگر داشته باشد. متأسفانه، تاکنون به جای معلمان ورزیده و کارآمد در این زمینه، از

معمولاً صرف رفتن به مهد کودک و در فعالیت‌های معمول آن مشارکت کردن، مشکلات عمیق عاطفی طفل را حل نمی‌کند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که اگر مربی مهد به‌طور فردی با کودک کار کند، می‌تواند در کاهش واکنش‌های غیرعادی او و تقویت پاسخ‌های مطلوبش بسیار مؤثر باشد.

در حقیقت، نقش درمانگری مربی مهد تقویت برخی پاسخ‌ها و خاموش کردن رفتارهای نامطلوب طفل است که طبق «اصول فرضیه یادگیری» قرار دارد. این روش به‌وسیله مربی مهد اجرایی است ولی معمولاً اجرای آن دشوار است؛ زیرا هر مربی در کودکان مسئول تعدادی کودک است و فرصت کار فردی را ندارد.

در روش درمانی به کودک تعلیمات مخصوصی داده می‌شود تا بتواند واکنش‌هایی جدیدتر به جای رفتار و عادات نامطلوبش انجام دهد. فرض کنید طی جلسات تعلیمات انفرادی خاصی، آستانه تحمل ناکامی کودک را افزایش می‌دهند و به جای رفتارهای اتکایی یا وابستگی همکاری و استقلال را در کودک تشویق می‌کنند. مربی می‌تواند با تشویق اطمینان کودک را به فعالیت‌های مؤثرتری هدایت کند. در یک بررسی، مربی شش کودک را که فقدان اتکا به نفس شدیدی از خود نشان می‌دادند، انتخاب کرد. او به این کودکان آموزش‌هایی خاص داد تا احساس اطمینان فردی‌شان بیشتر شود. این تعلیمات راه حل سه مسئله مهم را شامل می‌شد که کودکان دیگر نمی‌دانستند. پس از مدتی مربی مشاهده کرد که اعتماد به نفس این کودکان به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. رفتار کودک را می‌توان در جهت دلخواه تغییر داد. ضمناً همان‌طور که می‌توان اطفال وابسته را در جهت اعتماد به نفس بیشتر تشویق کرد، امکان هدایت کودکان پر خاشاک به سمت همکاری بیشتر نیز وجود دارد.

با به کار بردن اصول رفتار درمانی، مربی مهد کودک می‌تواند حتی به کودکانی با مشکلات پیچیده‌تر کمک کند. برای مثال، کودکی به‌واسطه مواجهه با عوامل مختلف و ناآشنایی با محیط، برگشت‌پذیری شدیدی در رفتارش نشان می‌دهد؛ به‌طوری که راه رفتن معمولی خود را کنار می‌گذارد و روی چهار دست و پا حرکت می‌کند. می‌توان برنامه معینی برای تغییر رفتار این کودک آماده کرد. در یک تجربه، هر بار که چنین کودکی می‌ایستاد یا راه می‌رفت، بلافاصله تشویق می‌شد و هر زمان که شروع به چهار دست و پا رفتن می‌کرد، به کلی به او بی‌اعتنایی می‌کردند. پس از دو هفته که این برنامه اجرا شد، رفتار وی هیچ‌گونه تفاوتی با رفتار

شفا امینی هرندی
مدیر مهد کودک



مربی مهد کودک یک درمانگر



معلمان و مربیان جوان و کم تجربه استفاده شده است.

باعث تأسف است که همین معلمان جوان هم وقتی مهارتی برای مقابله با دشواری های این کودکان کسب می کنند، به مدارس بهتری منتقل می شوند و در نتیجه هیچگاه این گونه کودکان از سرپرستی و تعلیم مربی آزموده برخوردار نمی شوند. معلمان را نیز نمی توان چندان ملامت کرد؛ زیرا نه تنها محیط مدرسه و نوع شاگردان نمی تواند برای آن ها مطبوع باشد، بلکه نبود همکاری والدین اطفال و طرز نگرش آن ها نیز مشکلی بر مشکلات اضافه می کند. با توجه به این عوامل به سهولت می توان ملاحظه کرد که حتی خوش بین ترین معلمان نیز ناامید می شوند.

در همین زمینه باید از نیازهای معلمان نیز سخن گفت. معلمان کودکان با فقر فرهنگی تمایل داشتند شاگردانشان در امر تحصیل موفق شوند و چون این موفقیت به سهولت به دست نمی آمد، معلمان دستخوش ناکامی، تضاد و حالات عصبی می شدند. ناراحتی معلمان باعث ایجاد اختلاف میان آن ها و شاگردانشان می شد و در نتیجه، محیط کلاس را متشنج و ناآرام می کرد. بنابراین، معلمان این گونه اطفال باید نگرشی دیگر درباره انگیزه کسب موفقیت و پیشرفت خودشان به دست آورند.

جالب توجه اینکه معلمان در چنین مدرسی به واسطه برخورد با ارزش ها، گرایش ها، تمایلات و رفتار کودکی که زمینه خانوادگی آن ها از نظر فرهنگی به کلی با زمینه خانوادگی معلم متفاوت است، دچار تضادهای روانی می شوند و برخی از آن ها توانایی پذیرش این افکار را

ندارند. این معلمان نمی توانند شاگردان خود را متفاوت با دیگران بدانند بلکه تصور می کنند که آن ها پایین تر از اطفال دیگر هستند.

از آنجا که مسائل و مشکلات فوق بیشتر ناشی از آن است که معلم خود جزء طبقه متوسط اجتماع است، بعضی مؤسسات و مسئولان آموزشی تصور کردند بهتر است برای کودکانی که دچار فقر فرهنگی هستند، معلمانی استخدام کنند که خود از طبقات پایین تر اجتماعی باشند. مقایسه انتقادات معلمان طبقات متوسط و پایین تاحدودی نشان می دهد که معلمی که خودش از طبقه پایین بود، ایرادی به رفتار شاگردانش نمی گرفت و گلایه ای از والدین آن ها نمی کرد. تنها ایراد او به محدودیت های مدرسه مانند نداشتن وسایل آموزشی کافی یا کلاس های وسیع تر بود. در حالی که معلمی که از طبقه اجتماعی متوسط بود، از بی انضباطی و رفتار نامناسب شاگردان خود و بی علاقه والدین آن ها شکایت داشت. ضمناً شاگردان خود را پر حرف، تنبل، بازیگوش، عصبی و پرخاشگر معرفی می کرد؛ در حالی که معلم گروه اول همین شاگردان را مهربان، دوست داشتی، خوشحال، پر حرارت و با احساس همکاری می خواند. ظاهراً ملاحظه می کنیم معلمی که خودش از طبقه اجتماعی مشابه شاگردانش آمده باشد، کمتر انتقاد می کند و جنبه مثبت تری در ارزشیابی شاگردانش نشان می دهد.

متأسفانه، استخدام معلمانی که خودشان از محیط هایی با فقر فرهنگی برخاسته اند، راه حل مشکل یاد شده نیست. همین معلمان نیز ضمن کار با شاگردان خود به تدریج ناراضی و ناراحت می شوند. همچنین دلایل زیادی نشان می دهند که این نوع مربیان نمی توانند در رفع مشکلات و نیازمندی های شاگردان خود واقعاً مفید واقع شوند.

مسئولان آموزش و پرورش باید برای پیشرفت کودکانی که دچار فقر فرهنگی هستند، اقدامی مؤثر انجام دهند؛ زیرا در گذشته این قبیل افراد می توانستند بدون داشتن تحصیلات منظم مدرسه ای، شغلی داشته باشند و زندگی خود را تاحدودی تأمین کنند ولی در جامعه امروزی و با توجه به نیاز به افراد متخصص و تحصیل کرده - که روز به روز چشمگیرتر می شود - این کودکان نیز باید از تعلیمات حرفه ای بهره مند شوند و سهم خود را در پیشرفت جامعه ایفا کنند.

باید اذعان کرد وظیفه معلمان در مدرسی که بیشتر شاگردانش از قشرهای پایین اجتماع هستند، بسیار دشوار است. از این رو آن ها باید از سوی مسئولان مدارس و خانواده اطفال بیشتر تقویت شوند و از نظر مادی و امکانات تحصیلی نیز به آن ها توجه زیادی مبذول گردد. اگر برنامه های آموزشی برای کودکانی که دچار فقر فرهنگی هستند، موفقیتی به دست آورد، پشتیبانی والدین و همکاری انجمن های خانه و مدرسه نیز الزامی است. از طریق انجمن های خانه و مدرسه باید برای شناخت والدین و مشکلات آن ها کوشش کرد. در بعضی موارد نیز می توان از والدین برای تهیه برنامه های آموزشی و پرورشی کمک گرفت و حتی امکان دارد مدرسه بتواند برای والدین نیز برنامه هایی آماده کند و آن ها را به مشارکت و همراهی علاقه مند سازد.

خلاصه اینکه مدرسه باید خودش را جزئی از محیط اجتماعی کودک سازد و اعتماد خانواده ها را به خود و برنامه هایش جلب کند. تنها از این طریق است که می تواند به عنوان رابط مؤثری میان اجتماع و کودکانی که به فقر فرهنگی دچارند، فعالیت کند.

منبع

۱. عظیمی، سیروس؛ روان شناسی کودک، تهران، صفار، ۱۳۸۷.



کلیدواژه‌ها: لالایی، مادر، خواب، آرامش، درد دل

اشاره

لالایی چیست؟

لالایی برگرفته از واژه‌های «لالا» یا «لله» (غلام، بنده، خادم) به معنای نوای دل‌نشین است و در اصطلاح، سرودهای شفاهی، ساده، عامیانه و دور از قاعده‌های شعر رسمی و اندیشه‌پردازی، اما آهنگین، گوش‌نواز، آرامش‌بخش است و احساس، عاطفه، عشق و آرزوهای مادر به حال و آینده فرزند دلبندش را در برمی‌گیرد.

دیرینگی لالایی‌ها، به‌دوران پیدایی خط و نوشتن می‌رسد؛ این سروده‌ها، همگام با پیشرفت انسان‌ها در بستر تاریخ با عنصرهای گوناگون زندگی آن‌ها (اسطوره، دین، زیبایی‌شناسی، آرمان‌ها، سیاست و...) درآمیخته است؛ از این‌رو بازتابی از آن‌ها را در خود دارد (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

لالایی‌ها ابتدایی‌ترین شکل ادبیات به‌شمار می‌آیند و معمولاً از آرزوهای دور و دراز مادران برای فرزندانشان تا درد دل‌ها و گله‌های آن‌ها را از زندگی روزمره دربرمی‌گیرند و پای در زندگی عملی دارند و خود نوعی ادبیات کاربردی به‌شمار می‌روند.

لالایی‌ها نخستین نغمه‌های زبانی هستند که کودک با آن‌ها آشنا می‌شود و از این راه نخستین پیوند زبانی میان مادر و کودک شکل می‌گیرد. این اشعار عامیانه از جنس ادبیات موقعیتی هستند و تنها هنگام آرامش بخشیدن به کودک و بردن او از دنیای بیداری به دنیای خواب از آن‌ها استفاده می‌شود. لالایی آرام‌خوانده می‌شود و به ناله یا درد دل شبیه است. با تکرار این صدای آرام‌یانی لالای و حرکت دادن گهواره یا پاهای کودک - درحالی که روی بالشی بر پای مادر یا دایه دراز کشیده است - به خواب می‌رود.

لالایی بسته به حالت کودک ابتدا با صدای بلند آغاز می‌شود، رفته‌رفته صدا پایین می‌آید و با خوابیدن کودک، لالایی به پایان می‌رسد.

لالایی^۱ اولین آوازی است که به گوش کودک می‌رسد و اغلب، آهنگی یکنواخت و خواب‌آور دارد. در گذشته، بسیاری از خانواده‌ها عادت داشتند که کودکانشان را با لالایی بخوابانند و کار خواباندن کودک به هر کس که محول می‌شد، در این برنامه هیچ تغییری به‌وجود نمی‌آمد. گویی کسی باور نداشت که بچه‌ای بتواند بی‌لالایی خوش بخوابد. مادر علاوه بر لالایی، اشعار زیبای دیگری را نیز با آهنگ سوزناک می‌خواند. گهواره می‌جنبید و صدای مادر با حرکت آن هماهنگی می‌کرد.

با تغییرات زندگی سنتی و حرکت به سمت زندگی مدرن، نمودهای زندگی گذشته کم‌کم رنگ باخت. لالایی یکی از آن نمودهاست و ابتدایی‌ترین شکل ادبیات شفاهی^۲ یا عامیانه^۳ (فولکلوریک)^۴ تلقی می‌شود که از دل توده مردم برآمده، بر زبانشان جاری شده و چکیده خرد و هنر زندگی روزمره مردم است و در اصل، آیین مردم خوانده می‌شود.

۱۰

رشد آموزش پیش‌دبستانی
دوره پنجم، شماره ۱
پاییز ۱۳۹۲



گنجشک لالا... سنجاب لالا

لالایی‌ها، درد دل مادران گذشته

حسین تاران

کارشناس ارشد رشته علوم تربیتی

گرایش پیش از دبستان



هر
یک از اقوام ایرانی
با زبان، گویش و لهجه‌های
مختلف لالایی‌های خاص خود
را دارند که از بسیاری جهات
شبیه‌اند. برای مثال، بیشتر از
نام گل در جملات آغازین
استفاده می‌کنند

قدمعلی سرامی درباره لالایی چنین می‌گوید: «هنگامی که مادر فرزندش را می‌خواباند، در حقیقت می‌خواهد یکی از حواس او را از کار بیندازد. می‌خواهد چشم‌های کودک بسته شوند تا کودک به خواب رود. کودک اما برای اینکه با آرامش خاطر چشم‌هایش را ببندد، باید از حضور مادر، یعنی نماد تمام امیدها، در کنار خود اطمینان یابد. مادر با خواندن لالایی، حضور خود را به فرزند می‌فهماند و از او می‌خواهد که چشم‌هایش را ببندد و تنها با شنیدن صدای مادر، بودن او را در کنار خود احساس کند. در حقیقت، لالایی نشانه‌ای است که مادر با آن به فرزندش می‌گوید: «من هستم، نگران نباش، صدای مرا بشنو و چشم‌هایت را ببند و آرام بخواب.» (محمدی، ۱۳۸۱: ۳۰-۳۱)

لالایی‌ها واژه‌هایی ساده دارند که کنار هم قرار گرفتنشان گاهی به دور از اصول و قواعد شعر سنتی است. این البته ضعف لالایی‌ها نیست بلکه نقطه عطف آن‌هاست؛ زیرا در لالایی، توجه به سادگی و احساس مطرح است، نه طرح اندیشه‌ها و صنعتگری. لالایی از ساختار منحصر به فردی برخوردار است که در کمتر گونه ادبی دیگری مشاهده می‌شود. برای لالایی سه بعد شناخته می‌شود:

«بعد اول بعد شاعرانه است... هم در مضمون، هم در وزن و هم در قافیه؛ بعد دوم بعد موسیقایی آن است، یعنی کسی لالایی را مثل شعر حافظ یا یک شعر معمولی نمی‌خواند، چرا که لالایی بی‌آهنگ به کالبد بی‌جان می‌ماند، و بعد سوم بعد تئاتری (نمایشی) کار است؛ یعنی این لالایی حتماً باید با حرکت و کنش خاص خود توأم باشد... لالایی در فرم‌های ملایم و آرام به خوانندگی مادر، دایه یا پرستار در کنار گهواره به اجرا درمی‌آید.» (قزل ایاغ، ۱۳۸۴: ۱۲۷)

«ملودی رمانتیک لالایی چیزی شبیه زنجبوره و درد دل کردن است که مناسب‌ترین و دل‌انگیزترین آن‌ها با استفاده از تکرار مکرر شعرهای مختلف در وزن مفاعیلن (دو بار یا بیشتر) و بحر هزج یا بیت «لالا لالا لالا لالا لالایی به قربونت بره مامان الهی» به‌دست می‌آید که ابتدا برای تحت‌الشعاع قرار دادن محیط یا بی‌تابی کودک با صدای بلند خوانده می‌شود. سپس، با حس خواب کودک، صدا پایین می‌آید و در فرجام، صدا به سکوت می‌انجامد.» (حجازی، ۱۳۸۲: ۱۵۲)

درون‌مایه لالایی‌ها

اغلب لالایی‌هایی که مردم ساخته‌اند، بیان‌کننده رنج‌ها و دردهای آن‌ها هستند. به‌طوری‌که بسیار اندک‌اند لالایی‌هایی که شاد و سرزنده باشند. هرگز کسی نتوانسته پیشینه لالایی‌ها را به زمان و مکانی خاص پیوند بزند. از ظاهر امر چنین برمی‌آید که از زمانی که مادر و فرزند وجود داشته، لالایی نیز بوده است و به‌دلیل همراه بودن آن با موسیقی، آن را جزء ابتدایی‌ترین آثار موسیقی جهان به‌حساب آورده‌اند که گاه فقط شکل صوت داشته است. آنچه در این لالایی‌ها برای کودک اهمیت دارد، کلام و درون‌مایه آن‌ها نیست؛ چرا که کودک، به‌ویژه در سنین نوزادی آن را درک نمی‌کند و ارزش لالایی در موسیقی آرامش‌بخش و حالت‌های موزون آن است.

ابزار ادبیات شفاهی در لالایی‌ها، کنایه، گلایه، ستایش و انتقاد است. (کشاورز، ۱۳۸۴: ۲)

شاید بتوان ادعا کرد که نخستین شعرهای کودکان لالایی‌هایی هستند که مادران برای نوبالوگان خود سروده‌اند. البته کودکان درون‌مایه‌های لالایی را در نمی‌یافته‌اند و مادران نیز قصد پیام‌رسانی نداشته‌اند بلکه آرزوها، غم‌ها، درد دل و حسرت و بغض‌های خود را با مهر مادرانه عجین می‌کرده و در قالب لالایی‌ها می‌سروده‌اند. در عین حال، آن‌ها را با لحنی عاطفی می‌خوانده‌اند و از این راه، خود و کودکانشان را به آرامش می‌رسانده‌اند. این سروده‌ها هنوز هم از بهترین و زیباترین سروده‌های کودکان هستند.

درون‌مایه لالایی‌ها از دنیای ذهنی مادران و زنان تأثیر فراوان پذیرفته و به‌جرئت می‌توان گفت که لالایی ناب‌ترین گونه ادبیات زنانه است که برای کودکان و درباره آن‌ها پدید آمده است.



لالا لالا گل نازم

تسلای دل زارم

لالا لالا گل باغم

تو هستی مرهم داغم

لالا لالا تو را دارم

چرا از بی کسی نالم

بر پایهٔ مضمون نیز، لالایی‌ها گونه‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی و... دارند اما به مطالب عمیق فلسفی توجهی ندارند بلکه مسائل مختلفی دربارهٔ خانه و زندگی عمومی خانواده، خواهش‌ها و آرزوهای مادر برای کودک، خانواده یا خود او و اوصاف طبیعت را باز می‌گویند یا از موجودات شریری مانند لولو حرف می‌زنند:

لالا لالا گل چایی

لولو از من چه می‌خواهی

که این بچه پدر داره

که خنجر بر کمر داره

یا از ستایش مادر از کودک خود و قول برای خوشبخت شدن و سعادت‌مندی او حرف می‌زنند و دعا به جان کودک کرده و از خدا و پیغمبر و ائمهٔ اطهار برای او حمایت می‌طلبند:

لالایی گویم و خوابت کنم من

علی گویم و بیدارت کنم من

خداوندا، تو پیرش کن

خط قرآن نصیبش کن

لالا گویم برای تو

بمیرن دشمنای تو

لالایی ناب‌ترین گونهٔ ادبیات زنانه است که دربارهٔ کودکان و برای آن‌ها پدید آمده است

لالایی‌ها گاهی نیز بیان دردهای مادران هستند:

لالا لالا گل زیره

بابات رفته زنی گیره

کنیز تو سیا باشه

سر اندر پاش طلا باشه

آلا لالا خدای من

به حق بشنو نوای من

به حق بشنو جوابم ده

از این غم‌ها نجاتم ده

برخی لالایی‌ها نیز هستند که مادر در آن‌ها محبت و وفاداری خود را ضمن گله به فرزند اعلام می‌دارد:

لالایت می‌کنم با دس پیری

که دس مادر پیری بگیری

(انجوی، ۱۳۴۷: ۶۴)

لالا لالا کنم تا ماه در آید

اگر نفرین کنم جانم بر آید

(تذهیبی، ۱۳۷۴: ۱۷)

لالا لالا گل سوری

نکن از مادرت دوری

لالا لالا گل سوسن

سرت بردار لب بوسم

بعضی لالایی‌ها گله‌های مادر را از

دوری همسر عیان می‌سازند:

لالا لالا گل نعنا

بابات رفته شدم تنها

لالا لالا گل خشخاش

بابات رفته خدا همراش

لالا لالا گل پسته

بابات رفته کمر بسته

لالا لالا گل نازی

بابات رفته به سربازی

لالا لالا سیاه دونه

که بابات در بیابونه

برخی دیگر از لالایی‌ها هم هستند که محتوایی داستان گونه دارند و هم ستایش کودک را دربرمی‌گیرند و هم گله از زندگی را:

گل سرخ منی شاله (ان شاء الله) بمونی

ز عشقت می‌کنم من باغبونی

تو که تا غنچه‌ای بویی نداری

همین که وا شدی با دیگرونی

لالایت می‌گم و خوابت نمی‌آد

بزرگت می‌کنم یادت نمی‌آد

لالایی‌ها ساختهٔ مردم ساده و گمنام‌اند

و واژگانی ساده دارند که با آهنگی خاص

خوانده می‌شود. آن‌ها اغلب بیانگر دردها

و آرزوهای مادران در حق فرزندان و در

حقیقت، نخستین وسیلهٔ آشنایی کودکان

با شعر و موسیقی هستند. لالایی‌ها اولین

شعرهایی هستند که فقط به دلیل آهنگ

و موسیقی برای کودکان خوانده می‌شوند و

با آهنگ، بین مادر و کودک ارتباط عاطفی

را برقرار می‌کنند و به کودک آرامش

می‌بخشند و گوش او را برای پذیرش آهنگ

و موسیقی آماده و تربیت می‌کنند. کودکان

در ابتدا متوجه معانی کلام لالایی نمی‌شوند

و بعدها معانی الفاظ را می‌فهمند.

گاهی مشاهده می‌شود که ابیاتی از

لالایی‌های مختلف تکرار شده که این نشانهٔ

انتقال سینه‌به‌سینهٔ آن‌ها در طول زمان

است. باوجود این، ترکیب کلی لالایی‌ها

با هم متفاوت است و هر یک حال‌وهوایی

دارد؛ به‌طوری‌که هر مادری می‌تواند به

تناسب روحیات خود، لالایی‌های محبوبش

را انتخاب و زمزمه کند. در عین حال،

تبارهای ایرانی با زبان‌ها، گویش‌ها و

گل پرپر حسینم کو؟
گل سرخ و گل شب بو
کنار رود و لب تشنه
تمام غنچه های او
لالا لالا غنچه هام لالا
لا لا لا گل فردا

حسین و اکبرم لالا
علی اصغرم لالا
کجایی عمه جان زینب؟
سکینه دخترم لا لا
لا لا لا گل لاله
نکن گریه نکن ناله
شبی سرد است و مهتابی
چرا گریان و بی تابی
برایت قصه هم گفتم
چرا امشب نمی خوابی؟
لالا لالا جان من لالا
گل باران من لالا

مصطفی رحمان دوست

پی نوشت ها

1. Berceuses
2. oral Literature
3. folk Literature
4. folklore

منابع

۱. قزلایاغ، ثریا؛ ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۲. کشاورز، ناصر؛ لالایی ها - ۳ لالایی های نئی کوچولو، چاپ دوم، تهران، رویش، ۱۳۸۴.
۳. محمدی، محمدهادی و قایینی، زهره؛ تاریخ ادبیات کودکان ایران (جلد اول)، چاپ دوم، تهران، بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان ایران چپستا: ۱۳۸۰
۴. نعمت اللهی، فرامرز؛ ادبیات کودکان و نوجوانان (شناسایی، ارزشیابی، ارزش گذاری)، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵.

تقسیم بندی لالایی ها

لالایی ها از نگاهی کلی به دو بخش تقسیم می شوند:

● لالایی هایی که مردم به شکل خودجوش ساخته اند، سراینده خاصی ندارند و اغلب بیانگر رنج ها و دردهای مردم هستند که بسیاری از آن ها کاربرد دارند.

● لالایی هایی که یا شاد و زنده اند یا اینکه در پس پرده ای از غم، واقعیت های زمانه را به زبانی نمادین فریاد می کنند و شاعرانی شناخته شده در دهه های گذشته آن ها را برای کودکان سروده اند.

اگر شاعرانی که برای کودکان شعر می گویند، گه گاه لالایی هایی با اسلوب همان لالایی های مردمی و نیز با نوآوری های مناسب و خلاق بسازند و در آن ها مضامینی شادی بخش و برانگیزاننده رؤیایی خوش در خوابی شیرین به کار برند - که این اتفاق تا اندازه ای روی داده است - به دو نیاز پاسخ گفته اند:

اول اینکه نیاز مادران امروز را برطرف کرده اند که لالایی نمی دانند و به کتاب های پژوهشی فولکلور نیز دسترسی ندارند. دیگر آنکه، کودکان مخصوصاً دختر بچه ها را که عروسک بازی جزئی از زندگی آن هاست، با لالایی آشناتر خواهند کرد تا هنگام بازی های مادرانه، آن لالایی ها را برای عروسک های خود بخوانند و از تکرار لالا، لالا و باز لالا، لالایی خسته نشوند؛ چنین باد!

لالا لالا گل ریحون
مامان رفته لب ایوون
حسودی می کنه مهتاب
به روی مثل ماه اون
لالا لالا گل شب بو
بابا صحرا مامان آهو
مامانت عکسش افتاده
تو آب چشمه های او

ناصر کشاورز

لهجه های مختلف نیز لالایی های خاص خود را دارند که در بسیاری از ویژگی ها به هم شبیه اند. برای مثال، در جملات آغازین لالایی ها بیشتر از نام گل استفاده می شود و کمتر لالایی ای را می توان پیدا کرد که در آن از گلی خاص نام برده نشده باشد. با این حال، لالایی هایی که نامی از گل را ندارند، باز هم بر دل می نشینند؛ چرا که لطافت لالایی را با خود همراه دارند:

آلا آلا عزیز ترمه پوشم
کجا بردی کلید عقل و هوشم
لالا لالا که لا لا بی بلایی
خودت ملا، قلمدونت طلایی

یکی دیگر از نکات جالب توجه در لالایی های سنتی این است که مضمون دوری زن و شوهر از هم در بسیاری از این آهنگ ها به چشم می خورد. مادر همیشه چشم انتظار رسیدن همسر یا همان پدر کودک است که به جنگ رفته یا در سفر یا در مزرعه و غیره است. الفت و مهرورزی و خلوص گذشتگان و پایبندی به مفهوم راستین عشق و دلدادگی به زیباترین وجه در ارتباط متقابل عاطفی کودک و نوزاد با مادر ظهور می یابد تا با انتقال این روحیه، کودک نیز در آینده این شیفتگی را از خود نشان دهد:

لالا لالا گل قالی
بابات رفته جایش خالی

بابایت رفته آبیاری
دم بیلش طلا کاری

لالا لالا گل اوشن
بابات آمد چشت روشن

آلا لالا گل پنبه
بابات میاد روز شنبه



تأثیر خواب بر یادگیری کودکان

محسن غلامپور

کارشناس ارشد پیش از دبستان

اشاره

خواب و به عبارت دقیق تر کمبود خواب کودک یکی از مسائل دشوار پیش روی پدر و مادر در خلال یکی دو سال اول زندگی فرزندشان است. بزرگ ترین مسئله این است که چه کنیم تا بچه ها در طول شب راحت بخوابند. والدینی که روی نیازهای کودکان خود حساس اند، دوست ندارند از توصیه هایی نظیر «بگذارید بچه هایتان گریه کنند تا خوابشان ببرد» استفاده کنند. در نتیجه، غالباً خودشان با مشکل بی خوابی مواجه می شوند. این از خودگذشتگی های شبانه برای بزرگ کردن بچه ها اغلب موجب بروز خشم و ناامیدی در والدین می شود، به احساس گناه در آنان دامن می زند و نمی گذارد افراد خانواده از حضور کودک تازه وارد چنان که باید لذت ببرند. زمانی که پدر و مادرها باید از نوزاد خود لذت ببرند، کمبود خواب شک و دودلی آن ها را نسبت به خودشان برمی انگیزد.

کلیدواژه ها: خواب، یادگیری، مغز و بی خوابی

اهمیت کمی و کیفی خواب

جمله ای که تقریباً به صورت عادی درآمده و بدون در نظر گرفتن اهمیت واقعی آن دائماً تکرار می شود، این است که «خواب یک سوم از زندگی را تشکیل می دهد». منظور جمله مذکور این است که ما به طور متوسط حدود ۲۵ سال از زندگی خود را در خواب به سر می بریم (و پنج سال از آن را در حال رؤیا دیدن هستیم). به عبارت دیگر، اگر همه زمان هایی را که خواب هستیم در طول زندگی با هم جمع کنیم، حدود ۲۵ سالگی شروع به بیدار شدن می کنیم یا اینکه کمی پس از چهل سالگی تا آخر عمر خود می خوابیم.

این بدان معناست که ما بیش از مدتی که کار می کنیم، در خواب هستیم؛ بر خلاف تصور ما که می اندیشیم این کار است که زندگی را می سازد.

تأثیر خواب خوب بر یادگیری

به گفته روان شناسانی که درباره خواب تحقیق می کنند، خواب شبانه بر نحوه عملکرد مغز در روز بعد تأثیر زیادی دارد. بر این اساس، به نظر می رسد خواب کافی شبانه با تسهیل ارتباطات عصبی - شیمیایی سلول های مغز، به تقویت حافظه و قدرت یادگیری کمک می کند. محققان دانشگاه ژنو نتیجه تحقیقات خود را در همایش فدراسیون انجمن های اروپایی علوم اعصاب عرضه کردند. آن ها در این تحقیقات تأثیر خواب شبانه را بر عملکرد مغز ۳۲ داوطلب بررسی کردند. محققان تصاویری را به این افراد نشان می دادند یا از آن ها می خواستند یک نقطه را بر صفحه نمایشگر دنبال کنند.

۵. زیبایی؛ برخلاف آنچه در افسانه‌ها آمده است، برای زیبا شدن لازم نیست، صد سال بخوابید. یک شب خواب خوب یک حمام زیبایی به شمار می‌رود و چنین شبی بر تمام تولیدات آرایشی برای زیبا شدن ارجحیت دارد.

یادگیری بدون خواب کافی پس از آن، به‌طور مؤثر به حافظه درازمدت سپرده و تثبیت نمی‌شوند

ده قدم برای کمک به موفقیت شما در ایجاد محیط آرام و خواب خوش برای کودکان

۱. موارد ایمنی را بررسی کنید.
۲. حقایق مهمی را در مورد خواب بیاموزید.
۳. گزارش‌هایی از برنامه خوابتان تنظیم کنید
۴. راه‌حل‌های پیشنهادی را مرور کنید و راه‌حل خود را از آن میان انتخاب کنید.
۵. نقشه خواب مختص خودتان را تهیه کنید
۶. برنامه خودتان را به مدت ده روز دنبال کنید
۷. یک گزارش ده روزه تهیه کنید.
۸. میزان موفقیت خود را بررسی کنید.
۹. نقشه خودتان را به مدت ده روز دیگر دنبال کنید.
۱۰. برگه گزارش را پر کرده، میزان موفقیت خود را بررسی کنید و هر ده روز یک بار نقشه خوابتان را تا جایی که لازم است، اصلاح کنید.

منابع

۱. پنتلی، الیزابت؛ خواب بدون گریه. مترجم: شهره عبداللہی غزال، ۲۰۰۲.
۲. فلوشر، پیر؛ یاد بگیریم چگونه بهتر بخوابیم، مترجم: ساعد زمان، صنوبر، ۱۹۹۸.
۳. مورین، چارلز؛ روان‌شناسی بی‌خوابی. مترجمان: علیرضا بخشایش. انیتا لشکریان، دانشگاه یزد، ۱۳۸۱.
4. www.amozesh2madreseh.blogfa.com

به نیمی از این افراد اجازه داده می‌شد هشت ساعت بخوابند و نیمی دیگر از آزمون شونده‌گان این گروه اجازه خواب نداشتند یا مدت کوتاهی چرت می‌زدند.

روز بعد، محققان از افراد مورد آزمایش می‌خواستند نقاط به نمایش گذاشته شده را دوباره دنبال کنند یا تصاویری را که دیده بودند به یاد بیاورند. هم‌زمان، فعالیت عصبی مغز این افراد به وسیله ام‌آرآی بررسی می‌شد. به گزارش محققان، کسانی که شب پیش به اندازه کافی خوابیده بودند، عملکرد بهتری داشتند.

دکتر سوفی شوارتز، سرپرست محققان دانشگاه ژنو، در این باره گفت: «نتیجه تحقیقات ما نشان می‌دهد که یک دوره خواب پس از به‌دست آوردن یک تجربه جدید می‌تواند تأثیرات یادگیری را تسهیل کند.»

او در ادامه گفت: «این بهبود ناشی از تغییر در عملکرد مناطقی از مغز است که به یادگیری مربوط می‌شود.»

در عین حال به گفته دکتر شوارتز به تحقیقات بیشتری برای ارزیابی خواب مورد نیاز برای کمک به تقویت حافظه نیاز است.

او همچنین بر ضرورت پی بردن به تأثیر خواب بر عملکرد افراد و قدرت ادراک تأکید کرد. به گفته دکتر نیل استانی، از متخصصان خواب در بریتانیا، نتیجه مطالعات محققان سوئسی بیانگر اهمیت خواب مناسب شبانه است.

این در حالی است که براساس آخرین نظرسنجی، تنها یک پنجم بریتانیایی‌ها هشت ساعت در شبانه‌روز می‌خوابند.

دکتر استانی در این باره می‌گوید: «خوابیدن وقت تلف کردن نیست بلکه بخش بسیار فعالی از زندگی است و ما برای تقویت حافظه و قدرت یادگیری به آن نیاز داریم.»

نقش خواب در افزایش یادگیری بسیار مهم است. یادگیری‌های اخیر بدون خواب کافی پس از آن، به‌طور مؤثر بر حافظه درازمدت سپرده و تثبیت نمی‌شوند. لذا به دانش‌آموزان توصیه می‌شود که در روزهای قبل از آزمون‌ها، خواب و تغذیه کافی و مناسب داشته باشند. خواب‌های پرانگنده در روز نمی‌تواند جایگزین خواب پیوسته شبانه باشد. خواب‌های در طول روز تنها پس از چهار ساعت فعالیت مستمر مغزی و به اندازه ۱۰ تا ۱۵ دقیقه برای استراحت مغز مفید است.

عواقب خواب ناکافی

بدخواب بودن تأثیرات منفی متعددی بر فرد می‌گذارد و پس از مدتی می‌تواند باعث مشکلات تأسفباری شود. در اینجا تنها به عواقب اصلی آن اشاره می‌کنیم.

۱. از نظر جسمی کمبود خواب مقاومت بدن را در برابر انواع سموم، هجوم میکروب‌ها، اختلالات آب و هوایی و به‌طور خلاصه هر گونه تهاجمی کاهش می‌دهد.
۲. از نظر موفقیت در زندگی خوب خوابیدن ابزاری بسیار مهم برای موفقیت خصوصاً در زمینه حرفه و تحصیل است. خصیصه همه افرادی که در هر زمینه‌ای موفقیت به‌دست آورده‌اند، خوش خواب بودن آن‌هاست.
۳. از نظر روانی و عاطفی مشکلات مربوط به خواب یقیناً بر روان، هوش و عاطفه شخص نیز تأثیر می‌گذارد.
۴. افراد بدخواب در زمینه فکری نیز دچار اشکال هستند؛ زیرا اختلالات و ناراحتی‌های حافظه به‌سرعت در ایشان ظهور می‌کند. همچنین، قدرت درک و توانایی تمرکز در این افراد تضعیف می‌شود.

اشاره

کم‌رویی نوعی ترس یا اضطراب اجتماعی است که در آن فرد هوشیارانه از مواجهه با افراد یا انجام دادن کارهایی مشخص بیزار است. افراد کم‌رو در مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی توجهی غیرعادی و مضطربانه به خود دارند و در نتیجه، دچار نوعی تنش روانی - عضلانی می‌شوند. خود این حالت نیز باعث بروز بیشتر رفتارها و واکنش‌های نامناسب می‌شود. (سعیدی و رستمی، ۱۳۸۷)

کودکان کم‌رو اغلب گوشه‌گیر می‌شوند. زمانی که فرد از بودن با جمع و هموعان بیزار باشد، گوشه‌گیری حالت بیماری پیدا می‌کند که اگر به موقع درمان نشود، فرد به افسردگی دچار می‌شود و حالات شدید روانی در او پیدا می‌شود. کودکان گوشه‌گیر چون مشکلاتشان را در عالم واقعیت نمی‌توانند حل کنند، به تخیل فرو می‌روند و به خیال‌باقی می‌پردازند. در واقع، آن‌ها چون هدفی برای خود ندارند، از مردم گریزان می‌شوند.

علائم و نشانه‌ها

افراد کم‌رو هنگام مواجهه با موقعیتی اجتماعی علائمی جسمانی نظیر عرق کردن، سرخ شدن، تپش قلب، دل‌شوره و حالت التهاب معده را از خود بروز می‌دهند. از دیگر علائم کم‌رویی می‌توان به احساس ناراحتی، نگرانی درباره ارزیابی منفی دیگران از خود و دست‌پاچه شدن اشاره کرد. در کودکان این علائم می‌تواند به صورت روبه‌گردان از غریبه‌ها و چسبیدن به فرد آشنا، مخفی ساختن خود از چشمان اطرافیان نا آشنا، خجالت کشیدن و به لکنت افتادن، با حداقل کلمات سخن گفتن، برقرار نکردن ارتباط بصری مستمر و طبیعی با دیگران، علاقه به بازی با کودکان آشنا و کوچک‌تر از خود و با صدای آهسته و غیرطبیعی سخن گفتن بروز یابد. (سعیدی و رستمی، ۱۳۸۷)

ویژگی‌های کودکان کم‌رو

کم‌رویی عوارضی هم به جا می‌گذارد؛ برای مثال، کودکان کم‌رو

و خجالتی عموماً ساکت هستند، با تن صدای پایین و بسیار آرام صحبت می‌کنند، از مشارکت گروهی گریزان‌اند، دیرجوش هستند و به همین علت دوستان کمی دارند، در بیان دیدگاه خود و تصمیم‌گیری مشکل دارند، به جای مواجهه با مشکلات، عقب‌نشینی می‌کنند، از روبه‌رو شدن با دیگران به ویژه بزرگ‌ترها هراس دارند، گوشه‌گیرند، از نظر رشد جسمانی عقب‌افتاده‌اند و تمایل به جلب توجه و حمایت دیگران دارند. کودکان کم‌رو از روبه‌رو شدن با افراد جدید دچار نگرانی می‌شوند و چون ارتباطات لذت‌بخشی با دیگران را تجربه نمی‌کنند، پس به مرور عزت‌نفسشان کاهش می‌یابد و انگیزه‌شان را از دست می‌دهند و به همین علت دچار شکست می‌شوند.

علت‌های پیدایش کم‌رویی و خجالت در کودکان

البته کم‌رویی همه کودکان به یک میزان نیست؛ افرادی که درون‌گرا هستند و تنها بودن را به تعامل با دیگران ترجیح می‌دهند، کم‌رویی برای آن‌ها مشکل‌زا نمی‌شود. این‌که چه چیزی علت کم‌رویی است، منازعه همیشه طبیعت و تربیت است. برخی معتقدند که کم‌رویی ارثی نیست و در سال‌های اولیه در خانه و مدرسه به وجود می‌آید ولی برخی روان‌شناسان مثل کتل بر این باورند که وراثت نقش بیشتری در این مورد دارد. امروزه روان‌شناسان معتقدند کم‌رویی زمینه ژنتیکی دارد ولی محیط

فاطمه رجبی

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش‌دبستانی



کم‌رویی در کودکان



اولیه زندگی کودک - یعنی خانه و مدرسه - می تواند سبب تقویت یا تضعیف آن شود. (سعیدی و رستمی، ۱۳۸۷)

از علل محیطی کمرویی می توان به محرومیت از محبت خانواده، مورد انتقاد شدید قرار گرفتن از طرف اطرافیان، نقص عضو یا بیماری های جسمی و فیزیولوژیک، اختلال در گویش و تکلم، تحقیر شدن در برابر دیگران، عدم امنیت روانی، عزت نفس پایین و کنترل شدید تربیتی و سخت گیری های وسواس گونه و غیر منطقی اشاره کرد. معمولاً در منزل کودکان کمرو والدین یا افرادی خجالتی وجود دارد، فضایی برای ابراز عقاید از سوی خانواده ایجاد نشده است، به مهمانی برده نمی شوند یا به آن ها اجازه داده نمی شود در حضور دیگران و مهمان ظاهر شوند.

چگونگی کاهش کمرویی کودکان

برای درک بهتر کودکان کمرو و اتخاذ شیوه های مناسب برای اصلاح مشکلات رفتاری آن ها، ابتدا باید نوع کمرویی را تشخیص داد و دید که آن ها در چه موقعیت هایی خجالت می کشند. اگر کودکی کمروست، خجالتی بودن او را نباید به حساب صفاتی چون فروتنی، مؤدب بودن، عفت و حیا و ... گذاشت؛ چون این صفات ارزشمندند ولی کمرویی یک مشکل رفتاری ناپسند است. پس باید:

- هنگام صحبت با کودک سعی شود به چشمان او نگاه شود و ارتباط بصری برقرار گردد.

- به حرف های کودک کمرو با دقت گوش داده شود تا او هم جرئت نگاه کردن و صحبت کردن پیدا کند.

- رابطه ای گرم و صمیمانه با کودک کمرو برقرار شود تا اعتمادش به خود افزایش یابد و احساساتش را به راحتی بروز دهد.

- مهارت های اجتماعی نظیر دوست یابی یا مهارت های ورزشی و هنری به کودک آموخته شود تا روحیه اش تقویت گردد.

- سعی شود مسئولیت هایی به کودک داده شود که بتواند از عهده آن ها بر آید.

- هیچ گاه کودک مجبور به انجام دادن کاری نشود که دوست ندارد.

- اگر قرار است کودک به محیطی جدید برود و با افراد جدید روبه رو شود، از پیش آماده گردد و با وی در خصوص محیط، رویدادهای احتمالی و افراد جدید صحبت شود.

البته نکته مهم این است که کودکان از اطرافیان خود می آموزند. اگر شما هنگام مواجهه با دیگران راحت باشید و اضطراب به خود راه ندهید، کودک شما هم از شما یاد خواهد گرفت. - مهم ترین کار افزایش عزت نفس کودکان است. تجارت کودک، به ویژه تجارب موفقیت آمیز وی، برای افزایش عزت نفس از اهمیت فراوانی برخوردار است. نباید فقط ضعف های کودک را دید و انتقاد مخرب داشت بلکه توانمندی ها و قوت ها را هم باید مدنظر قرار داد.

- کودکان را همان گونه که هستند، بپذیرید. نباید معیارهای کمال گرایانه و آرمانی و دست نیافتنی برای کودک قرار داد. بلکه لازم است برای کشف و پرورش استعداد های واقعی او اقداماتی انجام گیرد. کودک باید با همان خصوصیات و ویژگی ها و توانایی هایی که دارد پذیرفته شود و هیچ گاه با القاب تحقیر آمیز مورد خطاب قرار نگیرد.

- آن ها هرگز نباید برای ناکامی در انجام دادن کاری سرزنش، تحقیر و تنبیه شوند و تلاش باید بر این باشد که چنین موقعیتی برای کودک هم چون تجربه محسوب شود، نه شکست. - کودک را مستقل بار بیاورند و به او احساس امنیت بدهند؛ یعنی، او را همان طور که هست بپذیرند. این کار باعث افزایش عزت نفس کودکان می شود.

در خصوص افزایش اعتماد به نفس کودک، مربیان و والدین نقش بسزایی دارند؛ آن ها می توانند تغییرات رفتاری مناسب و موفقیت آمیز کودک را مدنظر قرار دهند و او را تشویق کنند و به سمت فعالیت های اجتماعی سازنده در مدرسه و خانه سوق دهند. اگر کودک احساس کند می تواند در انجام دادن امور موفق شود، اعتماد به نفسش افزایش می یابد و درک می کند که دیگر به گوشه گیری نیازی ندارد و کمرویی او برطرف می شود.

- والدین و اطرافیان باید به کودک کمرو توجه کنند و در خصوص رفتارش با هم به گفت و گو بپردازند. برای توسعه مهارت ها باید کارهای مورد علاقه کودکان و امور گوناگون منزل به آن ها محول شود؛ با بازی های گوناگون به ویژه بازی های گروهی، تشویق شوند و زمینه مشارکت های گروهی برای آنان مهیا شود و برای هر موفقیتی تشویق شوند. هیچ گاه کودک را نباید به مشارکت مجبور کنیم و لازم است رفتارهای مطلوب تشویق شوند. نکته مهم دیگر این که خجالتی بودن کودک به تدریج برطرف شود، نه یک مرتبه و شتابان. بردن کودک به گردش های علمی، تشویق او به سخن گفتن در حضور والدین و دوستان و جرئت دادن به کودک و تشویق وی به مشارکت در فعالیت های هنری و ایفای نقش در نمایش نامه ها از جمله اموری است که مهارت های اجتماعی کودکان را افزایش می دهد.

منابع

۱. خورشید، عباس؛ رفتار والدین و تربیت فرزندان، یسپرون، ج اول، (۱۳۸۱).
۲. سعیدی، علی و حسن رستمی؛ نکات کاربردی برای والدین در زمینه تربیت کودکان، تهران، تمرین، (۱۳۸۷).
۳. شفیع آبادی، عبدالله؛ راهنمایی و مشاوره کودک (مفاهیم و کاربردها)، تهران، سمت، ج چهاردهم، (۱۳۸۶).



دکتر فرخنده مفیدی
استاد دانشگاه علامه طباطبائی

امام محمد غزالی آثار و اندیشه‌ها

کلیدواژه‌ها: غزالی، تربیت کودک، تشویق و تنبیه.

● محمد غزالی از نخستین کسانی است که دربارهٔ تربیت کودک به تفصیل و با زبان عالمانه سخن گفته است. بر این اساس، می‌توان گفت که او پایه‌گذار دانشی است که امروزه به نام «روان‌شناسی کودک» شناخته شده است و از شعب مهم رشته‌های تعلیم و تربیت و علوم تربیتی محسوب می‌شود.

● غزالی گنجاندن موادی چون خواندن و نوشتن، قرآن، اخبار (تاریخ)، شعرخوانی و بازی (روزی یک ساعت) را در برنامهٔ تحصیلی مکتب‌خانه‌ها ضروری می‌دانست.

امام محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ه.ق مطابق ۱۰۵۸-۱۱۱۱ میلادی)

ابوحامد محمد بن محمد غزالی فرزند پشیم رییسی از طبقهٔ عوام بود و لقب غزالی را نیز به سبب شغل پدرش گرفت. او در سال ۴۵۰ هجری در نزدیکی توس دیده به جهان خاکی گشود. ابوحامد چندی در توس طلبگی کرد و سپس به گرگان رفت و نزد امام بونصر اسماعیلی، از فضلاء معروف آن روزگار، به تحصیل پرداخت. در راه بازگشت از گرگان، دزدان به کاروان زدند و کتب و یادداشت‌هایش به غارت رفت. به اصرار غزالی آن اوراق پس داده شد و از آن به بعد غزالی با خود عهد کرد که خوانده‌ها و نوشته‌هایش را چنان فراگیرد که امکان سرقت آن‌ها و گزند دزدان نباشد.



از میان غله براندازد، وی نیز باید چنین کند و همچنین سنگ و کلوخ‌های میان کشتزار را دور بیندازد. به عبارت بهتر، وی پیشگیری از گرفتار شدن متری به هرگونه نابه‌هنجاری را اساس کار تربیت می‌داند.

نیاز به مربی و تلفیق علم و عمل:
غزالی معتقد است که «مرغ جان را دو پر باید؛ یک علم و دیگری عمل. مرغ یک پر به فضایل عالم علوی و

معنا پرواز نتواند کرد.»
از نظر غزالی،

همیشه وجود
مربیان آگاه
و باتقوا برای
تربیت صحیح
و اصولی لازم
است تا با
تکیه بر تعهد و
پرهیزکاری خود
بتوانند به متعلمان

اخلاق نیکو و راه و روش دوری
از رذیلت‌های اخلاقی را بیاموزند.

وی تعلیم و تعلم را بزرگ‌ترین عبادت می‌داند و می‌گوید پس از پیامبری، معلمی شریف‌ترین کار ممکن است.

در بیست سالگی از توس به نیشابور رفت و در حوزه درس **امام الحرمین جوینی** - که رونق بسیار داشت - به تحصیل پرداخت و علاوه بر نقد، اصول، الهیات کلام و منطق به فراگیری حکمت و فلسفه هم مشغول شد. در ۲۷ سالگی نیز در حضور ملک‌شاه و نظام‌الملک با علمای نامدار مناظره کرد و بحث‌های وی مورد توجه خواجه‌نظام‌الملک قرار گرفت و از شهرت بسیار برخوردار شد؛ به‌طوری که به کسوت استادی نظامیه بغداد درآمد.

امام محمد غزالی به مدت چهار سال در نظامیه بغداد به تدریس علوم ریاضی، وعظ و خطابه پرداخت اما پس از آن تصمیم گرفت تمامی امتیازات دنیوی را کنار بگذارد و برای کشف حقیقت و علم حقیقی به سیر و سیاحت بپردازد. وی مدتی از عمر خود را در شام، بیت‌المقدس و حجاز به طور ناشناس گذراند و به ریاضت، عبادت، تفکر و تألیف مشغول شد. دگر بار از توس به نیشابور و تدریس در نظامیه بازگشت و به ارشاد، تدریس و تألیف مشغول شد. در سال ۵۰۵ هجری در همین شهر به سرای دیگر شتافت و در آنجا نیز به خاک سپرده شد.

آثار و تألیفات

- حدود ۷۰ جلد کتاب و رساله در علوم دینی مانند فقه، اصول و کلام و حدیث
- متجاوز از ۷۰ رساله و کتاب در باب اخلاق و فلسفه، منطق و تصوف
- کتاب **کیمیای سعادت** و **نصيحة الملوک** در باب تعلیم و تربیت
- کتاب **احیاء علوم‌الدین** درباره اهمیت علم و عالم و آداب تعلیم و ویژگی‌های معلم و متعلم و مناسبات انسانی بین شاگرد و معلم و فرایند یادگیری و یاددهی
- **فرزندنامه و غزالی‌نامه**

برخی از دیدگاه‌ها و اندیشه‌های پایدار غزالی

هدف تربیت: امام غزالی تربیت را ایجاد اخلاق نیکو و رفتار شایسته در انسان می‌داند.

نقش مربی: مربی باید اخلاق بد را از آدمی بستاند و اخلاق نیکو به جای آن نهد و همچون برزگری که بذر غله را پرورش می‌دهد و هر گیاه هرزی را که با غله برآمده باشد

غزالی
گنجاندن موادی
چون خواندن و نوشتن،
قرآن، اخبار (تاریخ)،
شعرخوانی و بازی (روزی
یک ساعت) را در برنامه
تحصیلی مکتب‌خانه‌ها
ضروری می‌دانست

امام غزالی هدف از تربیت را ایجاد اخلاق نیکو و رفتار شایسته در انسان می‌داند

و مربیان را نیز توصیه کرده است تا از تنبیه در نهایت کار استفاده کنند.

تنبیه باید به عنوان شیوه‌ای بازدارنده القا شود تا کودک بفهمد که در صورت تخطی و دست زدن به کار خلاف، برخورد مناسبی در انتظارش خواهد بود.

مراحل تربیت از دیدگاه غزالی

امام غزالی برای تربیت طفل سه مرحله قائل است: **مرحله اول** که از هفت سالگی آغاز می‌شود. در این مرحله باید با مدارا وی را به طهارت و خواندن نماز فرا خواند.

مرحله دوم: از ده سالگی شروع می‌شود. در این مرحله باید درست و نادرست را به کودک شناساند و دروغ‌گویی، دزدی و حرام خوردن را نزد او زشت جلوه داد.

مرحله سوم: مصادف با زمان بلوغ است و باید علل و اسرار و آداب زندگی به او یادآوری شود.

غزالی به عنوان یک اندیشمند تربیتی مسلمان، در جهت‌گیری افکار و عقاید خود از تعالیم دینی و کتاب الهی قرآن مجید بهره فراوان گرفته است. به همین جهت، وی محور تربیت را سیر روح و باطن انسان به سوی حق و هدف نهایی تعلیم و تربیت را وصول به انس و قرب الهی می‌داند. گفتنی است در پرتو نوپردازی اندیشه‌ای تربیتی، اخلاقی و توجه به مسائل اجتماعی، وی را می‌توان در زمره مربیان پرآوازه و تربیت پژوهان بزرگ تربیتی جهان دانست که در سیر تحولات عقاید تربیتی جامعه ما و جهان نقش برجسته داشته است.

منابع

۱. الماسی، علی محمد؛ تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۲. غزالی، امام محمد؛ احیاء علوم الدین، جلد ۴، ۳، ۲، ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۳. غزالی؛ مکاتب فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

روش‌های تربیتی غزالی

- روش مبتنی بر عادت
- روش تربیتی مبتنی بر تقویت اراده
- روش مبتنی بر تشویق و تنبیه
- روش تکرار و تدریج در آموزش و پرورش
- روش مبتنی بر توجه به استعداد و توانمندی‌های افراد
- روش تعقل و اندیشیدن
- روش تلفیق علم و عمل.

روش غزالی در تشویق و تنبیه

- وی به رعایت مراحل رشد به هنگام تشویق و ترغیب توجه داشت؛ زیرا معتقد بود که آدمی در هر مرحله از رشد خود علایق و انگیزه‌های مختلفی دارد و بر این اساس رغبت و تمایل به انجام دادن عملی می‌کند. از وی نقل است که «اگر کودک را گویند به مدرسه شو تا به درجه ریاست رسی، وی خود لذت ریاست نداند که چه باشد لیکن باید گفت به مدرسه شو تا شبانگاه، چوگان و گوی به تو دهم تا بازی کنی تا کودک به حرص آن به مدرسه شود.»

در جای دیگر به مربی توصیه می‌کند:

«چون کودک کاری نیک کند و خوی نیک بر وی پدید آید، وی را بر آن بستاید و چیزی دهد که بدان شاد شود و اندر پیش مردمان بر وی ثنا گوید.»

غزالی تنبیه را در مواردی که گریزی از آن نیست و تشویق کارگر نمی‌افتد، مجاز دانسته است.

او در این مورد می‌گوید:

«اطفال در مقابل اعمال نیکو باید مورد تشویق و نوازش قرار گیرند. از اولین گناه کودک باید چشم‌پوشی به عمل آید و فقط در صورت تکرار باید به تنبیه متوسل شد اما نباید افراط کرد؛ زیرا اسباب گستاخی و بی‌حرمتی را در نزد کودک فراهم می‌سازد.»
وی همواره آثار تربیتی تشویق را بهتر از تنبیه دانسته و والدین



کلاس درس در ذهن اغلب مردم نقش می‌بندد. از آنجا که کودکان پیش‌دبستانی مدتی طولانی نمی‌توانند روی صندلی بنشینند، استفاده از نیمکت برایشان دشوار است. فضایی که معلم بتواند روی زمین کنار دانش‌آموزان بنشیند و قصه بگوید، نمایش عروسکی اجرا کند یا حروف و اعداد را به آن‌ها بیاموزد^۱، بیش از نیمکت‌های ردیف‌شده کارآمد خواهد بود. مبنای طراحی چنین مکانی در کلاس‌های پیش‌دبستانی، کمک به رشد شناختی دانش‌آموزان است. در این فضا همچنین می‌توان مهارت‌های اجتماعی از قبیل گوش دادن مؤثر (فعال)^۲ را با بچه‌ها تمرین کرد. گرچه این فضا اساساً مرتب و تمیز است، بهتر است در آن از یک زیرانداز نرم و چند بالشک استفاده کرد. توجه به این موضوع مهم است که لازم نیست تمام دانش‌آموزان در آن واحد در یک مکان حاضر باشند. در هر یک از این فضاها، پنج دانش‌آموز (و ترجیحاً کمتر از آن) می‌توانند حضوری فعال داشته باشند. با محدود کردن تعداد کودکان در هر یک از این فضاها، آزادی انتخاب وسایل و کار کردن با یکدیگر بیشتر ممکن می‌شود. معلمان با شناخت تفاوت‌های طراحی کلاس‌های پیش‌دبستانی و کلاس‌های سنتی و مرسوم می‌توانند با آمادگی بیشتری به نیازهای این کودکان پاسخ دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. charity Preston نویسنده، معلم و مادری است که به‌عنوان مربی در تمام این نقش‌ها نیز فعالیت می‌کند.

2. Fine and Large Motor Skills

۳. آموزش حروف در ایران در پایه اول ابتدایی صورت می‌گیرد.

4. Active Listening

منبع

1. <http://www.en234.com>

کلیدواژه‌ها: فضاهای آموزشی، چیدمان کلاس، یادگیری و سرگرمی

نحوه چیدمان کلاس‌های پیش‌دبستانی با طراحی معمول نیمکت‌ها در مدارس ابتدایی تفاوت زیادی دارد. برای اوقاتی که معلم کلاس را هدایت می‌کند، فضای کافی لازم است اما به لحاظ رشدی، کودکان در این سن آمادگی نشستن طولانی مدت را ندارند. آن‌ها از طریق بازی و تعامل با دیگر کودکان یاد می‌گیرند. به همین دلیل، کلاس‌های پیش‌دبستانی بایستی فضاهای متنوعی داشته باشند تا کودکان بتوانند این فضاها را کشف کنند.

فضای مربوط به بازی‌های نمایشی از فضاهایی است که برای کودکان پیش‌دبستانی جذابیت خاصی دارد. کودکان در چنین فضایی می‌توانند لباس‌های نمایشی یا شاید ظروف آشپزخانه و مجموعه‌ای کامل از خوراکی‌های پلاستیکی را برای بازی ببینند. کودکان اجرای نمایش را دوست دارند و در تعامل با یکدیگر است که نسبت‌های فضایی و مهارت‌های اجتماعی را می‌آموزند. آموختن سهیم شدن و تقسیم وسایل خود با دیگران درسی مهم برای تمرین کردن است و برای این گروه از دانش‌آموزان مناسب است.

یکی دیگر از فضاهای مورد علاقه کودکان پیش‌دبستانی مکانی است که با بازی‌های توأم با مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت^۲ مرتبط است. اسباب‌بازی‌هایی مانند جورچین (لوگو)های ساختمان‌سازی یا یک میز با مقداری شن و آب را می‌توان در چنین مکان‌هایی قرار داد. درواقع، کودکان با بازی در این بخش قادر خواهند بود ضمن هماهنگ کردن دقیق‌تر حرکات بدنشان، در دست گرفتن اشیاء، چیدن و پریدن را تمرین کنند.

نیمکت‌های ردیف شده اولین چیزی است که با فکر کردن به

چیدمان کلاس و نقش آن در یادگیری و سرگرمی



نویسنده: چریتی پرستون^۱
مترجم: مینا سلیمی



کودکستان تابستانی



گفت و گوبا خانم زهرا ابوالفتحیان
 رقیه قنبری



زهرا ابوالفتحیان از فرهنگیان بازنشسته است که در دوران جوانی -۵۷ سال پیش از این- به طور خودجوش و ابتکاری، کودکستانی تابستانی برپا کرده است. پای صحبت‌ها و تجربیات این بانوی فرهیخته می‌نشینیم.

● اگر ممکن است سابقه ورود خود را به جرگه مربیان کودکان پیش دبستانی و کودکستان بیان فرمایید.

در دوران دبیرستان بودم. کلاس هفتم و هشتم و نهم تابستان‌ها برای خودم در خانه کلاس تشکیل داده بودم. گفتم حالا که قرار است برادرها و خواهرهای خودم را نگه دارم، بهتر است بچه‌های محل هم بیایند. این بود که ده دوازده نفر از بچه‌های اهل محل می‌آمدند اینجا. کمی وسایل بازی برای بچه‌ها تهیه کرده بودم. آن‌ها را جمع می‌کردم که بازی کنند و شعر بخوانند. از نظر اخلاق و تربیت هم در حدی که بلد بودم، به آن‌ها آموزش می‌دادم، چون بچه‌ها را خیلی دوست دارم؛ مخصوصاً بچه‌های کوچک را. به دلیل همین محبت هم بچه‌ها به طرف من کشش دارند. یادم هست همان موقع یکی از بچه‌ها رفته بود خانه و به مادرش گفته بود این قدر به من نگو علی این کار را بکن. معلمم به من می‌گوید علی آقا! شما چرا مرا این جور صدا نمی‌کنید؟ چون برای خودش احساس شخصیت می‌کرد. کودک آن چیزی که در بچگی می‌شنود، در ذهنش می‌ماند.

● در آن موقع شما چند سال داشتید؟ در چه تاریخی کودکستان خانگی را تشکیل دادید و بعد از آن چه کردید؟

نزدیک پانزده سال داشتم. من همیشه در بخش آموزش فعالیت کرده‌ام، انگار در سرشت و سرنوشت من بوده است. در طول این سال‌ها هم که تدریس کردم، همه رضایت

داشتند. بعد به خاطر بچه‌هایم چند سالی از آموزش و پرورش مرخصی گرفتم و در انگلیس زندگی و تحصیل کردم. بعد از بازگشت از سال ۶۱ در مجتمع بین الملل تهران تدریس می‌کردم. سال اول تطبیقی بودم و سال بعد به بین الملل انتقال دادم. دانش آموزان صبح در مدرسه تطبیقی و بعد از ظهر در مدرسه بین الملل درس می‌خواندند. من همیشه مأمور به دفتر بین الملل بودم و بعد از دوازده سال مرا مأمور به تدریس در مدرسه ایرانی در لندن کردند. دو سال مأموریت داشتم. در این مدت، مدرسه‌ای که کلاس‌اش ۵-۶ دانش آموز داشت، به سی نفر در دو کلاس رسید و همه را من اداره می‌کردم. بعد آن‌ها به تهران تقاضا دادند که ما این معلم را لازم داریم و نمی‌گذاریم برگردد. به همین



از معلم و کلاس خسته می‌شود. در کلاس هم وقتی زنگ می‌خورد، هیچ کس نمی‌رفت بیرون. باید به زور از آن‌ها می‌خواستم از کلاس بروند بیرون. مدیر که می‌آمد از کنار کلاس رد شود، به من می‌گفت: «شما هستید؟ پس چرا هیچ صدایی از کلاستان نمی‌آید؟»

● اگر ممکن است به سوابق تجربی خود هم اشاره فرمایید.

یک مربی داشتم به اسم دکتر اکرامی که استاد روان‌شناسی کودک در دانشگاه تهران بود. من مدت‌ها در مدرسه ایشان، مدرسه پویا، تدریس می‌کردم. از تجربیات ایشان خیلی استفاده کردم و تأثیرش را در کارم می‌دیدم. البته خود ایشان هم مرا به عنوان یکی از معلمان نمونه مدرسه‌اش معرفی کرد.

ابتدا در مدرسه ملی درس می‌دادم و بعد در آموزش و پرورش استخدام شدم و به مدرسه‌ای دولتی منتقل شدم. من بیشتر از چهل سال تدریس کرده‌ام.

ما در پایان تابستان جشن می‌گرفتیم و هر بچه‌ای در هر زمینه هنری که توانایی داشت، در آن جشن برنامه‌ای اجرا می‌کرد.

● در پایان، ضمن تشکر چنانچه توصیه و سفارشی به مربیان و معلمان دارید بفرمایید.

معلمان باید با بچه‌ها با زبان کودکانه صحبت کنند و به آن‌ها محبت کنند. اگر آن‌ها را به خودش جذب کنند، آن وقت می‌توانند هر چه را بخواهند به آن‌ها آموزش دهند و آن‌ها را راهنمایی کنند. در کار با بچه‌ها بهترین روش محبت و دوستی است. بچه‌ها خیلی با هم رقابت دارند. نباید فقط یک نفر را تشویق کرد بلکه باید همه آن‌ها را برای هر کار کوچکی که خودش انجام داده‌اند، تشویق کنیم.

دلیل، من شش سال آنجا ماندم. همیشه کلاس اول دبستان را تدریس می‌کردم و در لندن بچه‌های بزرگ‌تری که می‌خواستند فارسی یاد بگیرند هم در کلاس من شرکت می‌کردند. من همیشه به کارم علاقه‌مند بوده و با بچه‌ها رفتاری بسیار دوستانه و مهربانه داشتم. همیشه شیطان‌ترین پسر مدرسه را می‌دادند به من و من فقط با محبت او را آرام می‌کردم. تا به حال سر هیچ بچه‌ای داد نزده‌ام. فقط با تشویق بچه‌ها را به درس علاقه‌مند می‌کردم. هر بچه‌ای روش تربیتی خودش را دارد. باید خانواده بچه را هم بشناسید.

● چطور شد که شما به صورت خودجوش و با بزرگواری والدین محترمتان وارد این مقوله شدید و با اینکه خودتان محصل بودید، با ابتکار و شور و هیجانی که داشتید این کلاس را دایر کردید؟

من بچه‌ها را طبقه‌بندی سنی نکرده بودم. فقط می‌خواستم آن‌ها در تابستان توی کوچه نباشند و یک مربی بالای سرشان باشد. در دوره پیش‌دبستانی بچه‌ها درس رسمی ندارند و آموزششان با کارهای دستی و هنری و نقاشی است. بچه‌ها در این دوران به نقاشی خیلی علاقه دارند و از روی نقاشی‌هایشان می‌توانیم به روحیاتشان پی ببریم.

● در آن کودکان تابستانی، بچه‌ها چه فعالیت‌هایی داشتند؟

آن موقع این مناطق بیابان بود و بچه‌ها گاهی گم می‌شدند. به یاد دارم که با خواهر و برادرهای خودم دوازده بچه را کنترل می‌کردم. خودم به بچه‌ها علاقه داشتم. اول کمی توی حیاط با بچه‌ها بازی می‌کردیم. بعد آن‌ها را به اتاق می‌آوردیم و فعالیت‌هایی برای تقویت هوش و شنوایی و همچنین نقاشی آن‌ها انجام می‌دادیم.

● اگر ممکن است در مورد تحصیلات خود توضیح بدهید.

من دیپلم طبیعی دارم. بعدها یک دوره روان‌شناسی کودک و تدریس را در ایران و یک دوره منشیگری تجاری را در انگلیس گذراندم. از آموزش و پرورش مرخصی شغلی گرفتم ولی بعد از انقلاب به ایران برگشتم و مجدداً کارم را در آموزش و پرورش ادامه دادم. و الآن هم بازنشسته آموزش و پرورش هستم. من همیشه معلم کلاس اول دبستان بوده‌ام.

● لطفاً در مورد فعالیت‌های کودکان تابستان توضیح بیشتری بدهید.

روش کار من این بود که تکلیف زیادی برای خانه به بچه‌ها نمی‌دادم و آن‌ها باید درس را در کلاس یاد می‌گرفتند. پس از اینکه درس می‌دادم، یکی یکی می‌آوردمشان پای تخته و از آن‌ها می‌خواستم درس را تکرار کنند. وقتی تکلیف زیاد به بچه بدهید،

کلیدواژه‌ها: ارتباط، مشارکت، محیط‌های آموزشی

برنامه‌های باکیفیت عالی معمولاً والدین را به مشارکت در مراکز پیش‌دبستانی دعوت می‌کنند. نوع تعامل و مشارکت در جاهای مختلف و برحسب نوع برنامه‌ها متفاوت است. داوطلب شدن برای خواندن قصه و داستان، انتقال پارامی سنت‌های فرهنگی و انجام بازی‌های محلی، بومی و آداب و رسوم منطقه‌ای، همراهی با کودکان در اردوها و گردش‌های علمی و نیز همراهی آن‌ها هنگام استراحت و یا غذاخوردن به‌عنوان مهمان ویژه از جمله راهکارهای مناسب برای مشارکت و ارتباط با مربیان و مسئولان مراکز و کودکان هستند که والدین می‌توانند از آن‌ها برای معنابخشی بیشتر به زندگی کودکان در محیط‌های آموزشی و تربیتی استفاده کنند و احساس آرامش، رضایت و شادی دو و چندجانبه‌ای را پدید آورند. براساس تحقیقات انجام گرفته توسط انجمن‌های اولیا و مربیان



اگرچه انتظارات از خانواده‌ای به خانواده دیگر و نیز در مناطق و مراکز آموزشی متفاوت است، تهیه فهرستی از نیازها و اطلاعات دوجانبه می‌تواند راه مشارکت و همراهی والدین را هموارتر و آن‌ها را دلگرم‌تر و راضی‌تر نماید

بین‌المللی، مشارکت والدین و خانواده به ارتقای سطح موفقیت کودکان در زمینه‌های مختلف می‌انجامد. بنابراین چنانچه مراکز پیش‌دبستانی بتوانند محیطی دعوت‌کننده، پذیرا و جاذب را برای دریافت کمک و همراهی والدین به‌وجود آورند، احتمال بیشتری وجود دارد که والدین در آینده تحصیلی و ارتباطی فرزندانشان مؤثر باشند و این تعامل در آموزش و پرورش آینده کودک تداوم یابد. برای ایجاد محیطی مساعد، والدین باید امکان بازدید از محیط‌های آموزشی را در اوقات مختلف داشته باشند و با فلسفه آموزشی و اجرایی این‌گونه مراکز از نزدیک آشنا شوند؛ زیرا وقتی

خانواده و مسئولان و مربیان این‌گونه محیط‌های تربیتی با خواسته‌ها و انتظارات یکدیگر آشنا باشند و در این زمینه دیدگاه همخوانی داشته باشند، کودکان نیز احساس امنیت بیشتری پیدا می‌کنند و به‌ویژه با سهولت بیشتری با محیط سازگار می‌شوند (ماکسول و آلر، ۱۹۹۴). احساس امنیت بیشتر کودکان در محیط‌های آموزشی سبب رضایت هر دو جانبه مربیان و خانواده‌ها و به‌خصوص مادران می‌شود.

اولین گام به‌وجود آوردن احساس امنیت و اعتماد در بسیاری کشورها ترتیب دادن سفر کوتاه و اردوی کلاسی همراه خانواده‌ها در مراحل اولیه ثبت‌نام و ورود کودکان به محیط آموزشی تشخیص داده شده است. آشنایی خانواده‌ها با محیط کلاس‌ها، بخش‌های مختلف، فنون اداره و مدیریت کلاس‌ها، کارهای روزمره و برنامه‌های متنوع و مشاهده سبک‌های آموزش و پرورش در این مراکز از جمله راه‌های اصولی و پذیرفته شده کنونی در این کشورهاست.

از طرفی، تلاش برای شناسایی مهارت‌های مورد نیاز برای موفقیت در مشارکت خانواده‌ها باید در همه‌حال - قبل از ورود کودک، در حین پذیرفتن و بعد از آن - نیز باید از جانب مراکز آموزشی صورت گیرد.

کار - جلینک (۱۹۹۴)، براساس تحقیقات خود سیاهه‌ای را برای والدین و نیز مربیان تنظیم کرده‌اند که نشان می‌دهد والدین باید در جست‌وجوی چه چیزهایی باشند و چه نوع انتظاراتی داشته باشند تا کودکان عادی و یا با نیازهای ویژه خود را در محیطی امن و راحت ببینند و اطمینان یابند که نیازهای کودکانشان رفع می‌شود و این امر آمادگی لازم برای ورود و خروج سالم و بدون دغدغه را به آن‌ها می‌دهد.

در ادامه به مواردی از این سیاهه می‌پردازیم.

- تا چه میزان از کودکان انتظار می‌رود که مستقل باشند؟
- چه نوع کارها و برنامه‌هایی در این محیط برای کودکان ترتیب داده شده است. (گروه‌های کوچک، کارهای نشستنی و روی میزی، کار در بیرون و غیره)؟
- تا چه حد از کودکان انتظار می‌رود که ساکت و آرام در گروه بنشینند؟



سبک‌های ارتباط کودک و خانواده با مراکز پیش‌دبستانی

محیط‌های تربیتی چه تدابیری باید بیندیشند؟

دکتر مرجان گودرزی



اولین گام به وجود آوردن احساس امنیت و اعتماد در بسیاری کشورها ترتیب دادن سفرهای کوتاه و اردوهای کلاسی همراه خانواده‌ها در مراحل اولیه ثبت نام و ورود کودکان به محیط آموزشی تشخیص داده شده است

شناخت کافی در مسیر هدایت به آن‌ها داده می‌شود و به سؤال‌های آنان به درستی و خوبی پاسخ داده می‌شود؟

● خانواده‌ها چه اطلاعات خاصی را باید درباره هر کودک به مربیان و مراکز بدهند؟

● از کدام سبک تربیتی (مقتدرانه، سهل گیرانه و یا مستبدانه و یا ترکیبی) برای ارتباط با کودکان استفاده می‌کنند؟ و...

اگرچه انتظارات از خانواده‌ای به خانواده دیگر و نیز در مناطق و مراکز آموزشی متفاوت است، تهیه فهرستی از نیازها و اطلاعات دوجانبه می‌تواند راه مشارکت و همراهی والدین را هموارتر سازد و آن‌ها را دلگرم‌تر و راضی‌تر کند.

من در مقام یک پزشک که با کودکان و خانواده‌های بسیار تماس داشته‌ام و نیز به عنوان مادری که پسرم سال‌هایی را در مراکز پیش دبستان سپری کرده است معتقدم که این گونه مراکز باید فعالیت‌های مناسبی را برای والدین و خانواده‌ها ترتیب دهند تا آن‌ها با سیاست‌های اجرایی و برنامه‌ها و اهداف آن‌ها آشنا شوند. در این میان، نباید از روش‌های جزمی که ابهامات را زیاد و اعتماد را کم می‌کند، استفاده کرد؛ زیرا ارتباط و مشارکت دوجانبه و بلکه چند جانبه است.

منابع

1. Maxwell, k.& Ellers. 1994, children's transition to kindergarten. Young children, pp. 56 -63
2. Karr – jelinek, c.1994. Transition to kindergarten. Parents and teachers working together.

● تا چه حد به نیازهای فردی کودکان اهمیت داده می‌شود؟
● از چه شیوه‌هایی برای مهار هیجانات کودکان استفاده می‌شود؟

● چه مرحله‌ای برای راهنمایی کودکان در انجام دادن کارها و فعالیت‌ها و در مسیر اهداف روزمره ترتیب داده شده است و این مراحل تا چه حد برای کودکان شفاف‌اند؟

● از چه شیوه‌هایی برای تأمین امنیت کودکان در محیط استفاده شده است؟

● از چه نوع کلماتی در فهم و یادگیری کودکان استفاده می‌شود و زبان ارتباط با کودکان چگونه است؟

● چنانچه کودکان به کمک‌های ویژه نیازمند باشند، چگونه و از چه کسانی باید طلب کمک و راهنمایی کنند؟ آیا آگاهی و



اشاره

چند هفته‌ای بعد از تولد نوهام متوجه می‌شوم که در میان گریه‌هایش آواهایی شنیده می‌شود که مشابه آن‌ها در آواهای زبان فارسی نیز هست. دقت و تمرکز را بر این آواها کمی بیشتر می‌کنم. انگار در موقعیت‌های مشابه آواهای مشابهی از او به گوش می‌رسد. خواننده و شنیده‌ام که گریه‌های نوزادان متنوع است و هر کدام بیانگر یکی از نیازهای آنان است. این گریه‌ها گاهی به شکل «اُنه-اُنه»^۱ گاهی «اُنه-اُنه»^۲ و اُنه-اُنه^۳ است در بیشتر مواقع هم اِه-اِه^۴ و به تکرار اُو-اُو^۵ را از او شنیده‌ام.

در این مقاله می‌خواهیم دریابیم که آیا آواهای موجود در گریه‌های نوزاد زبانی و معنادار و ویژه تمامی کودکان این کره خاکی است یا نه. بر این اساس، ابتدا به چند نمونه از مشاهده‌هایم درباره نوهام اشاره می‌کنم. سپس، به یافته‌ها و نظریه‌های مرتبط می‌پردازیم و مهم‌تر اینکه دیدگاه قرآن کریم را در این خصوص بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: نوزاد، گریه کودکان، زبان نوزادان، کولیک، علم‌البیان، فطری بودن زبان

چهارهفتگی

امروز او را به من سپرده‌اند. خواب است. دقایقی بعد بیدار می‌شود و گریه سر می‌دهد. به گریه‌هایش دقت می‌کنم، آوا اُنه را می‌شنوم. چند سی‌سی از شیر را که مادرش در شیشه برایش گذاشته است، به او می‌خورانم. بعد از خوردن شیر ساکت می‌شود. با خود می‌گویم که حقا شاعر چه حکیمانه گفته است: «تا نگرید طفل کی نوشد لبن».

حالا دریافته‌ام که او گریه توأم با آوای «اُنه» را هنگام گرسنگی سر می‌دهد.

روز دیگری که همین آواها را می‌شنوم، به او شیر می‌خورانم. درحالی‌که دارد شیر می‌خورد، نق نق «اِه-اِه» بلند می‌شود. سعی می‌کنم بقیه شیر را به او بخورانم اما نق‌ها به گریه‌ای شدید و ممتد تبدیل می‌شود. انگار آواهای دیگری هم هست که در حافظه‌ام ضبط نمی‌شود.

چهل‌وشش‌روزی

از قبل از ظهر، نوزاد پیش من بوده است. بعدازظهر خیلی بی‌قراری می‌کند. او را در آغوش می‌گیرم و راه می‌برم؛ آرام نمی‌شود. شعر و سرود برایش می‌خوانم؛ اثری ندارد. لالایی می‌خوانم؛ بی‌تأثیر



فریده عصاره

الرحمن... عِلْمُهُ الْبَيَان

نظام زبانی او هستند؟ آیا همه نوزادان دنیا برای بروز خواسته‌هایشان همین آواها را بیان می‌کنند؟

پرسیلا دانستن

«پرسیلا دانستن» خامی استرالیایی است که حس شنوایی قوی‌ای دارد. از کودکی در معرض نت‌های موسیقی بوده و در نتیجه گوش‌هایش تیز و حساس شده است. پرسلا در فرایند نگه‌داری از نوزادش موفق به کشف واژه‌هایی از طریق گریه‌های او می‌شود. سپس، درباره نوزادان ملیت‌های دیگر پژوهش می‌کند و درمی‌یابد که در میان گریه‌های نوزادانی از

کودک
انسان بدون اینکه
تعلیم دیده باشد، با قوه
نطق و بیان متولد می‌شود تا
بدین وسیله مراقبان خود را از
نیاز و خواسته و حال و وضع
روحي خود آگاه سازد

کشورهای دیگر و با فرهنگ‌های مختلف نیز آواهایی مشابه آنچه از کودک خود هنگام بیان خواسته‌هایش شنیده است، وجود دارد. او که این آواها را واژه‌ها یا جملات کودک قلمداد می‌کند، حین پژوهش تنها پنج نوع از گریه‌های کودکان را شناسایی کرده است. دانستن یافته‌های متقن و اثبات شده زیر را برای پنج نوع گریه کودکان ارائه می‌کند.

۱. «ه» یعنی گرسنه‌ام؛ به‌زعم پرسلا، اگر چنین واژه‌ای با فراوانی بیشتری در میان گریه‌های کودک شنیده شد، باید به او شیر بدهید.

۲. «ا» این واژه برای مادران چنین پیغامی دارد: باد گلویم (آروغم) را بگیر.

۳. eairh یعنی مادر، من نفخ دارم. از یافته‌های او چنین برمی‌آید که بسیاری اوقات گریه کودک با eh شروع می‌شود و چنانچه باد گلویش گرفته نشود، به eairh تبدیل می‌شود.

۴. owh یعنی «خسته‌ام و خوابم می‌آید».

۵. heh یعنی از «وضع موجود ناراحتم».

بر این اساس، کولیک که به گریه بی‌دلیل کودک اطلاق شده است، دیگر معنا پیدا نمی‌کند؛ زیرا کودک بی‌دلیل گریه نمی‌کند و گریه‌هایش زبان مخصوص او و آواهای برخاسته از آن هستند که هم‌زمانی و هم معنا دارند. اصلاً کودکان با این دانش زبانی متولد می‌شوند و آگاهانه هر کدام از این آواها را - که در جایگاه کلمه، جمله و عبارت است - برای آگاه کردن بزرگ‌ترها از یکی از خواسته‌ها و نیازهایشان بروز می‌دهند.

برای درک نوزاد کافی است ما بزرگ‌ترها زبان مخصوص او را بدانیم. در واقع، به جای اینکه فقط در فکر این باشیم که زبان خردمان را به او یاد دهیم، باید اول زبان مخصوص او را کشف کنیم.

است. جاروبرقی را روشن می‌کنم؛ باز آرام نمی‌شود. عرق نعنای به او می‌خورانم؛ باز اثری ندارد. نه گرسنه است، نه خیس است، نه سردش است و نه گرمش. دل درد هم ندارد. آواهای گریه‌اش آهه - آهه است.

مادرش می‌آید. او را در آغوش می‌گیرد و به او شیر می‌دهد. مدت کوتاهی آرام می‌شود ولی دوباره بی‌قراری‌هایش را از سر می‌گیرد. چند ساعتی بدین منوال می‌گذرد. هر دو مستأصل شده‌ایم. نمی‌دانیم چه کار کنیم. تصور می‌کنم این همان گریه‌های کولیکی است که از آن به‌عنوان گریه‌های بی‌دلیل کودک یاد می‌کنند.

بالاخره، زنگ در به صدا درمی‌آید. پدرش است. دو روز است که پدرش را ندیده. وقتی به آغوش او می‌رود، آرامشی وصف‌ناپذیر سر تا پای وجودش را فرامی‌گیرد.

نه تنها در مدتی که در آغوش پدرش قرار دارد، در کمال آرامش است بلکه در فاصله یکی دو ساعتی که نزد من هستند - چه در آغوش پدرش چه در آغوش دیگری - آرامش بر او حکم‌فرماست. آیا آن همه گریه‌های طولانی و ممتد و بی‌قراری نوزاد ما در اعتراض به دوری از پدرش بود؟ آیا انتظار او را آن‌طور کلافه کرده بود؟

این امر دوبار دیگر اما نه به این شدت اتفاق افتاد.

پنجاه و شش روزگی

پدرش او را به خانه ما می‌آورد و می‌گوید خیلی گرسنه است. هر چه زودتر باید شیر بخورد. شتابان برایش شیر درست می‌کنم ولی پستانک سرشیشه را از دهنش بیرون می‌اندازد و تمایلی به خوردن نشان نمی‌دهد. سعی می‌کنم با ترفندهایی که قبلاً هم از آن‌ها استفاده کرده‌ام، شیر را به خوردش بدهم، ولی در حالی که شیشه را کنار می‌زند، آوای «ته» را می‌گوید. باز هم تلاش می‌کنم ولی این دفعه دوباره این هجا را تکرار می‌کند نه - نه.

آیا منظور همان نه نفی به معنی «نمی‌خواهم» است؟ به نظریه‌هایی که در ذهنم است، می‌اندیشم و آن‌ها را مرور می‌کنم. نه؛ در این سن این «ته» نمی‌تواند «ته» منفی باشد. به مادرش زنگ می‌زنم. می‌گویم که تازه به او شیر داده است. جل‌الخالق! با این نه نه گفتن‌ها می‌خواسته مرا از سیر بودنش آگاه سازد؟

آیا این آواها از نظر نوزاد معنی و مفهوم خاصی دارد؟ آیا او با آن‌ها می‌خواهد پیامی را به اطرافیانش برساند؟ آیا آن‌ها دال‌هایی هستند که بر مدلول‌ها و مفهوم خاصی دلالت می‌کنند؟ آیا نشانگر

فطری بودن زبان

چامسکی، زبان شناس معروف، پدیدهٔ زبان را امری ذاتی و فطری می‌داند. به زعم او، همهٔ کودکان به‌طور ژنتیکی یک نظام زبانی مجزا دارند که از سایر نظام‌های شناختی آن‌ها مجزاست. نظامی حاوی یک دستور زبان جهانی و مشتمل بر همگانی‌های زبان یا دانش مربوط به قواعد همگانی که در زبان‌های دنیا مشترک است و نیز اصولی که حاوی استثناهای موجود در زبان‌های مختلف است. به نظر چامسکی، این ظرفیت بسیار غنی‌تر و بیشتر از زبان‌های موجود دنیاست. همچنین، اگر زبان‌ها بیش از این رشد و توسعه نیافته‌اند، به‌خاطر فقر محرک‌های پیرامونی آن‌هاست.

قرآن کریم، که خود زبان فطرت است، همهٔ اجزا و عناصر آفرینش را دارای نطق و بیان می‌داند. به‌طوری که هر موجودی، اعم از جمادات، گیاهان و جانوران، با زبان مخصوص خود به تسبیح خدای یگانه می‌پردازد. چنانچه خداوند رحمان در آیهٔ ۴۴ سورهٔ اسرا می‌فرماید: «آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر آنچه در آن هست، تسبیح و حمد او را می‌گویند و شما انسان‌ها آن‌ها را نمی‌فهمید.» دانش امروز نیز قائل به این است که همهٔ موجودات امواج صوتی از خود صادر می‌کنند ولی به دلیل ضعیف بودن فرکانس این امواج، شنیدن آن‌ها برای ما امکان‌پذیر نیست.

در اشعار مولانا نیز آمده است:

گر تو را از غیب چشمی باز شد
 با تو ذرات جهان هم‌راز شد
 نطق آب و نطق خاک و نطق گل
 هست محسوس حواس اهل دل
 جملهٔ ذرات عالم در نهان
 با تو می‌گویند روزان و شبان
 ما سميعيم و بصيريم و هُشيم

با شما نامحرمان ما خامُشيم

در سورهٔ علق نیز چنین آیه‌هایی به پیامبر اکرم - صلی‌الله علیه و آله و سلم - ابلاغ می‌شود: «بخوان به نام پروردگارت که انسان را از خون بسته آفرید. همان کسی که به وسیلهٔ قلم تعلیم داد و به انسان آنچه را که نمی‌دانست یاد داد.» در سورهٔ الرحمن نیز مستقیماً به آموختن نطق و بیان به انسان اشاره شده است.

به نظر استاد مطهری، در هر دو سورهٔ نام برده خداوند بعد از خلقت انسان، به تعلیم بیان و نوشتن به او پرداخته است تا در سایه این دو کار مهم بتواند محصول تجارب و دستاوردهای

**قرآن کریم،
 که خود زبان فطرت
 است، همهٔ اجزا و عناصر
 آفرینش را دارای نطق
 و بیان می‌داند**

خود را هم به معاصران و هم به نسل‌های بعد از خود منتقل کند و دیگر حیات وحشی را در نوردد و به فضای تکاملی دنیای فرهنگ و تمدن گام نهد.

او «بیان کردن» را ظاهر کردن و به‌عبارتی، آشکار کردن مکنونات درونی معنی می‌کند. انسان امور پنهان یا خواسته و منظوری را که در ضمیرش هست، به‌وسیلهٔ سخن گفتن آشکار می‌کند و این امر یکی از تفاوت‌های اساسی او با حیوان است. به‌زعم او، سخن گفتن استعدادی فطری و جزئی از ذات انسان است. سخن گفتن مانند خندیدن از مختصات انسان است.

در این مشاهده و مطالعه دریافتیم که کودک انسان بدون اینکه تعلیم دیده باشد، با قوهٔ نطق و بیان متولد می‌شود تا بدین وسیله مراقبان خود را از نیاز و خواسته و حال و وضع روحی خود آگاه سازد. لازم به یادآوری است که اگر چامسکی یا دیگر زبان‌شناسان و دانشمندان فطری‌گرا در قرون اخیر به فطری بودن زبان دست یافته‌اند یا خانم «پرسیلا دانستن» در سال‌های اخیر راز و رمز فقط پنج کلمه از زبان نوزاد را کشف کرده، در کتاب آسمانی ما قرآن کریم خداوند بلند مرتبه، چهارده قرن پیش چه راست گفته است: «الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ».

کسی چه می‌داند شاید همهٔ گریه‌های کودک از خواسته‌ها و نیازهای او نشئت نگرفته باشد؛ شاید

برخی آواهای مندرج در
 گریهٔ نوزاد انسان
 به‌منظور تسبیح
 خداوند رحمان
 باشد؛ زیرا علمای
 اسلامی را اعتقاد بر
 این است که کودک
 تازه متولد شده میثاق
 خود را مبنی بر پرستش
 خدای یگانه می‌بندد.

پی‌نوشت‌ها

1. ona
2. one
3. aha
4. eh-eh
5. owah
6. na

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اسمیت، نیل؛ انقلاب چامسکی، مترجم: ابوالقاسم سهیلی و دیگران، آگاه، ۱۳۶۷.

کودکستان مهر

مرتضی طاهری

در ایران، دوره پیش دبستانی به رغم اهمیت، تأثیر و ضرورت، به دلایل مختلف از جمله تنگناهای اداری، تشکیلاتی و مالی و از همه مهم تر ضعف بینش و نگرش در برخی تصمیم گیران و کارگزاران با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کند. طی سال گذشته، بحمدالله با تصویب سه سند مهم مادر (بالادستی) نوری بر این عرصه تابید که در مقاله حاضر به آن می پردازیم. امید آنکه مؤثر افتد. ظرف چند ماه گذشته سه سند مهم و بنیادین در خصوص آموزش و پرورش به تصویب رسید که صرف نظر از تقدم و تأخر آن ها از نظر زمان تصویب و ابلاغ، نکات مربوط به دوره پیش دبستانی را در آن ها بررسی می کنیم.

- سیاست های کلی آموزش و پرورش مهم ترین سند مصوبی است که پس از بررسی و تصویب در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تأیید و امضای رهبری رسیده است. این سند متشکل از سیزده بند وزیر مجموعه های مرتبط است و در بند دوم آن رسیدگی و نظارت بر دوره پیش دبستانی به صراحت امری حاکمیتی و در حقیقت از وظایف نظام دانسته شده است.

- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سند دیگری است که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده و در دو قسمت آن به طور مستقیم و غیر مستقیم به سن و سال کودکان پیش دبستانی اشاراتی شده است.

نخست، ذیل سنین لازم التعلیم در بخش کلیات که «سن تعلیم و تربیت رسمی را ۵ سالگی» دانسته؛ و دیگر، در راهکار شماره ۱-۵ بر تعمیم دوره پیش دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند تأکید نموده است.

- سند سوم، برنامه درسی ملی است؛ در بخش ساختار و زمان آموزش، به دوره رسمی و غیر اجباری بودن این دوره اشاره کرده است.

به هر تقدیر با گشایشی که بر اثر توجه به مصوبات یاد شده حاصل می شود، امید است در آغاز سال های تحصیلی آتی شاهد فضای دل انگیز و سازنده کودکستان های مهر در نقاط مختلف کشور باشیم.





ماهیگیری و تربیت کودک صبور

سیده فاطمه نامجوی
کارشناس ارشد علوم تربیتی

اشاره

هدف از این مقاله توجه به فواید ماهیگیری و آثار جسمی و روانی آن است. کلاس‌های تفریحی و ورزشی بی‌شماری وجود دارند که والدین به دنبال ثبت‌نام کودکان خود برمی‌آیند ولی به ورزش ماهیگیری کمتر توجه می‌شود. علاقه‌مند کردن کودکان به محیط زیست و بهره‌مند کردن کودکان از آثار آن ایجاب می‌کند که والدین به این موضوع نیز بپردازند و در زمینه آموزش‌های مناسب به کودکان فرهنگ‌سازی شود.

چکیده

امروزه حرکت رو به جلو و سریع جامعه بیش از هر چیز بر خلق‌وخو و خصایص انسان و به‌ویژه کودکان تأثیر می‌گذارد. صرف‌نظر از خوب یا بد بودن این اتفاق، گاه والدین با کودکانی روبه‌رو می‌شوند که بسیار کم‌تحمل، آسیب‌پذیر و غیراجتماعی، پرخاشگر و... هستند. با این تأکید که کودک این خصایص و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری را از محیط خانواده، همسالان، جامعه، رسانه‌های فرهنگ مانند تلویزیون، بازی‌های نامناسب رایانه‌ای و... آموزش می‌بینند. در این مقاله سعی بر این است که از طریق بازی - که تنها راه آموزش لذت‌بخش و تفریحی و همچنین تنها راه آموزش به کودکان در سنین پایین است - بر تقویت صبر، حوصله و بالا بردن آستانه تحمل کودکان تأکید شود؛ زیرا در جامعه امروزی کودک نیازمند این آموزش به صورت کامل و قطعی است.

کلیدواژه‌ها: ورزش، ماهیگیری،

بازی



جلب می‌کند.

معمولاً پدران و مادران هنگام تفریح یا ماهیگیری از همکاری نکردن کودکان و بی‌حوصلگی آن‌ها گله و شکایت می‌کنند. البته ریشه این بی‌حوصلگی‌ها را گاه باید در فقدان وحدت تصمیم‌گیری در لذت بردن از تفریح یا ورزشی خاص جست‌وجو کرد. چرا که الگوی رفتاری کودکان در ابتدا پدرها و مادرها هستند. راه‌هایی که در این مقاله به آن‌ها اشاره شده است، می‌تواند تا حدی به علاقه‌مندی کودکان به این ورزش کمک‌رسان باشد.

باید در نظر داشت که فضا برای کودکان از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ همان‌گونه که محل بازی کودکان باید تا حد ممکن ایمن و به‌دور از خطر باشد، مکان ماهیگیری نیز باید ایمن و مناسب باشد تا اولین تجارب کودک بدون ترس و در امنیت کامل و مثبت در ذهنش نقش ببندد. تا آنجا که ممکن است، آموزش ماهیگیری به‌صورت غیرمستقیم و با بازی و تفریح و تشویق‌های مکرر و در برابر کارهای مثبت و همکاری او صورت گیرد. برچسب‌های جایزه به شکل‌های ماهی و موجودات دریایی علاوه بر آشنایی کودکان با آن‌ها بر علاقه‌مندی به موجودات دریایی و تشویق آن‌ها نقش بسزایی دارد. برای علاقه‌مند کردن کودکان به ماهیگیری خرید ابزار کوچک و کاربردی در حد توانایی آن‌ها بسیار مهم است. خرید چوب‌های سبک، قلاب‌های مناسب، جعبه‌های کوچک رنگی و کاربردی که از همان ابتدا زمینه آشنایی کودکان را با ابزار این ورزش فراهم می‌کنند؛ بسیار اثرگذار است. لازم است به کودکان فرصت تهیه مقدمات ماهیگیری داده شود و آن‌ها با نحوه آماده کردن طعمه آشنایی پیدا کنند.

استفاده از شکل‌های زیبا، پوست‌ها، نقاشی‌ها، چیدمان اتاق کودک و لباس‌هایی که از این ورزش بر روی آن‌ها شکل و نشانه‌ای وجود دارد، نیز در افزایش علاقه‌مندی کودکان به این ورزش نقش بسزایی دارد. کودکان را تشویق کنیم که در کشیدن نقاشی از طبیعت و ماهیگیری توانا تر شوند و اهمیت آب، دریا، رودخانه‌ها، ماهی‌ها و چرخه طبیعت را به زبان ساده و با ابزاری مانند نقاشی، تصویر و کارتون برای آن‌ها بیان کنیم.

در بازار اسباب‌بازی‌هایی در زمینه آموزش ماهیگیری وجود دارد که در علاقه‌مند کردن کودکان به ماهی و ماهیگیری ورزشی بی‌تأثیر نیستند. خرید اسباب‌بازی‌های ارزان و مفید تأثیر بیشتری بر کودکان می‌گذارد تا خرید اسباب‌بازی‌های گران‌قیمتی که معمولاً کاربرد تزیینی و نمایشی دارند.

کودکان معمولاً آب‌بازی را از همان سنین ابتدایی دوست دارند، از فرو بردن اجسام در آب و شناور شدن آن‌ها لذت می‌برند و مفاهیم کیفی ریاضی و علوم را به‌وسیله آن یاد می‌گیرند. پس،

کودکی که در محیط خانواده با پدر و مادری صبور سروکار دارد که در هر شرایطی آرامش خود را مقدم بر هر عامل منفی و ضدآرامش می‌دانند و صبر و تحمل و بردباری برایش کاملاً ملموس است و با آن رشد یافته است، اصولاً در کودکی و بزرگسالی انسانی موفق خواهد بود. پس علاوه بر اهمیت آرامش و صبوری والدین، در تربیت کودک، از همان سنین پایین می‌توان این مهم را در کودکان تقویت کرد.

قبل از ارائه مطالبی در این خصوص به تحقیقی که والتر میشل، استاد دانشکده روان‌شناسی دانشگاه کلمبیا، در اواخر دهه ۱۹۶۰ روی ۶۵۳ کودک چهار ساله انجام داده است، جلب می‌کنم.

او کودکان را پشت میزی نشاند؛ بشقاب تنقلات را مقابل آن‌ها قرار داد و گفت: «شما می‌توانید خوراکی خود را سریع بخورید ولی اگر ۵-۱۵ دقیقه صبر کنید و خوراکی را نخورید، خوراکی دیگری پاداش می‌گیرید و بعد می‌توانید هر دو را بخورید.»

می‌دانیم که خوراکی برای کودکان چقدر وسوسه‌انگیز است و بارها دیده‌ایم که آن‌ها نمی‌توانند لحظه‌ای در برابر خوراکی مقاومت کنند. منتها هدف این پژوهشگر این بود که به تفاوت‌های فردی کودکان و میزان صبر و تحمل آن‌ها پی ببرد.

دکتر میشل مشاهده کرد که تنها ۳۰ درصد از کودکان توانستند صبر کنند. آن‌ها از روش‌های مختلفی برای پرت کردن حواس خود استفاده کردند که وسوسه نشوند. او بعدها در بررسی زندگی آینده این کودکان نیز به این نکته مهم دست یافت که بین صبر، کنترل بر خود و موفقیت افراد رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در سال ۱۹۸۱، یعنی حدود بیست‌وپنج سال بعد، او تعدادی پرسش‌نامه به والدین و مشاوران این کودکان داد و درباره وضعیت تحصیلی و نمره قبولی آنان در امتحانات ورودی دانشگاه و اینکه چگونه این جوانان با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند، پرسید.

نتایج نشان داد که کودکانی که نتوانسته بودند در برابر یک بشقاب خوراکی تحمل کنند، نمرات پایین‌تری داشتند، هنگام مشکلات افسردگی بیشتری را تحمل می‌کردند و در تمرکز هم مشکل داشتند. در مقابل، کودکانی که توانسته بودند ۱۵ دقیقه صبر کنند، نمره امتحان ورودی‌شان به‌طور متوسط ۲۵ درصد بالاتر از کودکانی بود که فقط ۳۰ ثانیه صبر کرده بودند. نتایج این تحقیق گویای این حقیقت است که کودکانی که صبر و تحمل بیشتری را آموزش می‌بینند، در آینده به موفقیت‌های بیشتری دست می‌یابند. بعد از بیان اهمیت صبر در موفقیت‌های آینده کودکان - که قطعاً برای هر پدر و مادری از اولویت‌هاست - به بحث آموزش این امر می‌پردازم که در این مقاله از طریق علاقه‌مندی کودکان به ورزش ماهیگیری است. البته ماهیگیری ابزاری آموزشی است که چون لذت‌بخش و شادی‌آفرین است، توجه کودکان را هم به خود

صبر و حوصله بزرگ‌ترها و خرید شناورهای رنگی از دیگر موارد این آموزش حرفه‌ای و در عین حال ساده و شیرین است.

از همان ابتدا کودک را با نقش موجودات زنده، زندگی آن‌ها، کمک به حفظ و نگهداری از طبیعت، رعایت اصول اخلاقی، ورزشی و بهداشتی آشنا کنید و فرهنگ رهاسازی ماهی و ماهیگیری ورزشی را به او آموزش دهید. نکته مهم در این مقاله تأثیر الگو و الگوبرداری کودکان از بزرگ‌ترها به خصوص والدین است. کودکی که از همان ابتدا رعایت بهداشت محیط و حفاظت از مکان‌های طبیعی و محیط زیست را در رفتارهای والدین خود دیده باشد، قطعاً چه در کودکی و چه در بزرگسالی نگهبان طبیعت خواهد بود. پس، بر این اصل توجه کنیم که کوچک‌ترین برخورد - چه مثبت

چه منفی - با محیط زیست از

نگاه تیزبین کودکان دور نخواهد ماند. اگر به دنبال این هستیم که کودک ما با اصول اخلاقی آشنا شود، نخست باید خود رعایت‌کننده این اصول اخلاقی باشیم. چرا که اگر کودک بر اثر وسوسه، کنجکاوی یا تأثیرپذیری در مسیری هم گام نهد که مورد نظر ما نباشد، احتمال برگشت او بسیار زیاد است. با این تأکید که اگر ارزش‌ها در وجود او درونی شده باشند، می‌توان

از روش‌های تشویقی فراوان استفاده کرد. اگر بهداشت را رعایت کردند، اگر در هنگام ماهیگیری سر و صدای اضافی و آزاردهنده تولید نکردند، اگر همکاری لازم را داشتند... منتها توجه داشته باشید که آستانه تحمل کودکان در ابتدا کم است. پس آموزش‌های ماهیگیری را تا حد امکان کوتاه کنید و رفته‌رفته اگر تمایل و علاقه‌مندی در آنان دیده شد، بر ساعت‌های آن بیفزایید. به این صورت که اگر در روزی که هدف شما آموزش کودک است،

یک تا دو ساعت وقت به این کار اختصاص دهید و بعد به سایر کارها و تفریحات بپردازید، کم‌کم کودکان با علاقه‌مندی بیشتر خود تقاضای زمان بیشتر برای ماهیگیری خواهند داشت. کودکان هنگام ماهیگیری یاد می‌گیرند که چگونه زمینه گرفتن ماهی را آماده کنند، به چه نحوی زمینه‌چینی کنند و چگونه رعایت نکات لازم را داشته باشند، چگونه انتظار بکشند و چگونه انتظار کشیدن خود را هدفمند و لذت‌بخش سازند، چگونه ماهی را بگیرند و رها کنند. همه این زنجیره آموزش‌های مفیدی در خود دارد که فرایند دسترسی به هدف را به کودک یاد خواهد داد تا برای هر کاری هدف داشته باشد، مقدمه‌چینی کند و صبر و حوصله داشته باشد تا به نتیجه برسد. این مهم میسر نمی‌شود مگر اینکه پدران و مادران برای کودک خود وقت بگذارند و به‌طور اصولی کودک خود را با این موارد آشنا سازند و خود الگویی برای این ورزش حرفه‌ای باشند که قطعاً فرهنگ‌سازی و کار کردن به شیوه اصولی یا در اکثر موارد، بهترین نتیجه را می‌دهد. آموزش مهارت‌های ماهیگیری علاوه بر دانش نیازمند تجربه نیز هست و کودکانی که از سنین پایین این علاقه‌مندی در آن‌ها شکل گرفته باشد، با ارزش‌های والایی آشنا می‌شوند. اعتمادبه‌نفس، حس رقابت سالم، هدف‌گذاری، پرورش عضلات و ماهیچه‌ها، رعایت نکات ایمنی، بهداشتی، اخلاقی، آداب ارتباط با دیگران، بالا بردن آستانه تحمل و دقت و تمرکز و صدها مورد دیگر در آموزش ورزش ماهیگیری به کودکان نهفته است.

به امید اینکه کودکان ما، که متأسفانه از دوران کودکی کمتر به سوی ماهیگیری می‌روند و کمتر به‌طور اصولی با این ورزش آشنا می‌شوند، آگاهی بیشتری از طرف بزرگ‌ترها کسب کنند. زیرا قطعاً آموزشی که از دوران کودکی بر دل و جان کودک نقش می‌بندد، مانند نقشی است که هرگز غبار فراموشی بر آن نخواهد نشست. این یکی از راه‌های حفظ طبیعت و علاقه‌مند کردن کودکان به محیط زیست و افزایش بردباری است که به آنان می‌آموزد همانند طبیعت صبور و آرام باشند. در نظر داشته باشیم که آشتی با طبیعت یک گام به سمت نزدیکی به خدا و پرورش خصایص خوب و نیکو در همگان است. امیدواریم این چند سطر اندکی حساسیت بزرگ‌ترها را در توجه به آموزش کودکان از طریق بازی و ورزش و ترویج آموزش ماهیگیری و فواید فراوانی که بر جسم و روان دارد، افزایش دهد. چون در ماهیگیری همان‌طور که ذکر شد، پرورش همه‌جانبه‌ای نهفته است که هم جسم و هم روح از آن برخوردار می‌شود و چه بهتر که این آموزش و پرورش از سنین کودکی در برنامه کودکان ماقرار گیرد تا عضلات و ماهیچه‌ها، ذهن و فکر و مفاهیم ارزشی و اخلاقی در آن‌ها رشد یابد و از برترین فواید آن، یعنی بالا بردن آستانه تحمل برای رسیدن به هدف، برخوردار شوند.



کودکی که از همان ابتدا رعایت بهداشت محیط و حفاظت از مکان‌های طبیعی و محیط زیست را در رفتارهای والدین دیده باشد، قطعاً چه در کودکی چه در بزرگسالی نگهبان طبیعت خواهد بود



آموزگار ابتدایی، روستای آذرین، املش، گیلان
راضیه جمشیدی صالح

کودک بین خانه و کودکستان تفاوت می بیند

محیط

خله کمک می کند،
اصلاح می کند، خراب
می کند ولی ایجاد نمی کند. (مونه
سوری)

سال های آغازین کودکی دورانی پر از
نشاط، شادابی و خاطره انگیز است که آثارش در تمام
عمر کودک همراه اوست و او را به هدفی راهنمایی می کند
که بتواند در آینده نه چندان دور از آن بهره گیرد. معلم نیز با توجه
به علائق و نیازهای فکری کودک به او می آموزد که این هدف ها به
مهارتی می انجامد که در جامعه جوابگوی او خواهد بود.

از لحاظ جسمی

در خانواده های مرتب و منظم، کودک از لحاظ غذا، خواب، برنامه معینی دارد و همچنین
مقدار زیادی فرصت آزاد دارد که می تواند به فعالیت بدنی بپردازد. این فعالیت در سنین اولیه باید
به طور جدی بررسی شود. کودکی که کاملاً آزاد است وارد کودکستان می شود. برنامه های او با ورود به
کودکستان تغییرات چشمگیری می کنند.

از لحاظ عاطفی

کودک می خواهد منحصر از طرف مربی مورد توجه کامل باشد تا بتواند خود را با محیط وفق دهد ولی مربی باید به همه
توجه کند. دلیل نیاز کودک به محبت، امنیت خواهی اوست و باید از او مواظبت شود. کودک حتی می تواند مربی خود را به مادرش

ترجیح دهد ولی مربی نمی تواند کاملاً به این علاقه توجه کند؛ زیرا محبت
او تقسیم می شود. چون شروع به زندگی اجتماعی بدون برخورد با دیگران
امکان پذیر نیست، باید در کودکستان قوانین و مقرراتی اجرا گردد.

کودک دائماً بین خانه و کودکستان تفاوت هایی می بیند و در ذهن
خود تصویری را به درستی یا غلط تحلیل می کند. این تصورات که
عکس العمل های او را در بر می گیرند، باید مطالعه و بررسی شوند.

در بعضی از کودکان رفتارهایی خاص می بینیم که باید علل آن ها را
جست و جو کرد. این علت ها در محیط های مختلف متفاوت اند و باید آن ها
را پیدا کرد.

از لحاظ عقلانی

کودک به همه چیزهایی که در اطراف خود می بیند، علاقه مند و نسبت
به آن ها کنجکاو است. او می خواهد همه چیز را امتحان و بررسی کند. در
این بین کودک زیاد سؤال می کند، به اعمال دیگران توجه دارد، از بزرگ ترها
تقلید می کند و در مورد همه چیز می پرسد. این «چراها» به همین صورت
ادامه پیدا می کنند. پس جلب کردن کودک کار آسانی نیست.

از لحاظ اجتماعی

کودک ممکن است از دخالت و تصرف دیگران در آنچه به او تعلق
دارد یا دخالت آن ها در اجرای نقشه ها و مقاصد خود عصبانی شود. او بدون
توجه به فرصت های دیگران می خواهد تا آنجا که ممکن است نوبت ها را به
او بدهند تا خود را نشان دهد. بعضی کودکان دوست دارند به طور جداگانه
به موازات کودکان دیگر فعالیتی انجام دهند و در موقعیت های مختلف
اجتماعی فرصت هایی را به دست آورند تا حس اعتماد به نفس در وجودشان
تقویت شود.



۳۳
رشد آموزش پیش دبستانی
دوره پنجم، شماره ۱
پاییز ۱۳۹۲



اسباب بازی، ابزاری جادویی

گزارشی از دومین مسابقه ملی طراحی و ساخت اسباب بازی در دانشگاه صنعتی شریف



گزارش: سمیه دژ



عکس: غلامرضا پهرامی



نیست بلکه انتخاب درست براساس سن و نیاز کودک است. گاهی کودک با در اختیار داشتن حتی چند صدف کوچک می تواند ساعتها سرگرم شود و قوه تخیل و ابتکار خود را به کار اندازد؛ در صورتی که ممکن است در همان مقطع زمانی از داشتن اسباب بازی گران و شیک لذت نبرد.

کشف استعداد و توانمندی های کودک نیز از جمله مواردی است که اولیا و مربیان می توانند به کمک ابزار اسباب بازی به آن دست یابند. هر کودکی استعداد و توانمندی خاصی را دارد و با توجه به آن اسباب بازی مناسب خود را انتخاب می کند. والدین و مربیان می توانند انواع مختلف اسباب بازی را در اختیار کودک قرار دهند و در نهایت، انتخاب اسباب بازی را به خود او واگذار کنند و از این طریق به استعدادها و توانمندی های کودک پی ببرند. انواع اسباب بازی موجب شادی و نشاط کودک و افزایش هوش و قدرت تخیل او می شود، کنجکاوی کودک را بر می انگیزد و همراه با پرورش قوای ذهنی،

شده است و اولیا و مربیان می توانند با استفاده از این ابزار کودک را آن گونه که می خواهند تربیت کنند. آن ها از طریق این ابزار جادویی نه تنها می توانند کودک خود را سرگرم کنند بلکه می توانند مهارت های زندگی را نیز در خلال بازی ها به او بیاموزند. از سویی، برخی والدین به غلط فکر می کنند اسباب بازی فقط جنبه بازی و سرگرمی برای کودک دارد و از جنبه آموزشی آن غافلند. بنابراین، کودکان بی هدف و بی برنامه از اسباب بازی هایی که به طور تصادفی انتخاب می شوند، استفاده می کنند و حتی در برخی موارد، والدین برای کودکان خود اسباب بازی نمی خرند. از سوی دیگر نیز با والدینی روبهرو هستیم که با توجه بیش از اندازه و صرف هزینه های گزاف به اصطلاح از آن طرف بام می افتند و چون راه را اشتباه می روند، به نتیجه لازم یا دلخواه دست نمی یابند. اولیا و مربیان باید در نظر داشته باشند آنچه در انتخاب اسباب بازی اهمیت دارد، قیمت گزاف و رنگ و لعاب آن

بازی و اسباب بازی برای کودکان و والدین از اهمیت بسزایی برخوردار است. فرزندان ما زمان زیادی از ساعات بیداری خود را به بازی اختصاص می دهند و در نتیجه، بسیاری از مهارت های زندگی را در حین آن می آموزند. اسباب بازی ابتدایی ترین، بهترین و حتی در برخی از موارد تنها وسیله ای است که کودک می تواند از طریق آن با دنیای خارج ارتباط برقرار کند و جهان پیرامون خود را بهتر بشناسد. در نظر داشته باشید که بازی برای کودک هدف نیست بلکه شیوه ای است که توسط آن می توان قوای درونی کودک را پرورش داد. خوشبختانه، چندسالی است که مسئولان به این امر مهم پی برده اند و با برپایی سمینار، مسابقات و نمایشگاه هایی در این خصوص گامی هر چند کوچک در این مسیر برداشته اند و روند روبه رشدی در این خصوص آغاز شده است.

امروزه انواع مختلف اسباب بازی به ابزاری برای تعلیم و تربیت کودکان تبدیل

همچنین با هدف نهادینه کردن این مسابقات در سطح کشور، دومین مسابقه ملی طراحی و ساخت اسباب‌بازی برای تمامی گروه‌های سنی را از اول تا چهارم اسفند سال ۹۱ برگزار کرد. در این دوره از مسابقات بیش از چهارصد گروه از سراسر کشور به رقابت پرداختند و در نهایت، به برندگان جوایزی اهدا شد. هم‌زمان وبگاه خانواده دانشگاه شریف نیز به نمایندگی از

و فطرت کودک مربوط می‌شود (برخی دختران طبیعتاً به برخی بازی‌ها مانند خاله‌بازی علاقه نشان می‌دهند و برخی پسران نیز به بازی‌های دیگر مانند دزد و پلیس؛ البته، بعضی بازی‌ها نیز مورد توجه هر دو گروه قرار می‌گیرد) و دوم، انتظارات و توقعات والدین و جامعه از دختر و پسر. هوش کودک نیز تأثیر فراوانی بر نحوه بازی، نوع آن، انتخاب اسباب‌بازی و استفاده از

مهارت‌های کلامی او را نیز تقویت می‌کند. با وجود این، برخی والدین با این بهانه که فرزندانشان اسباب‌بازی‌های خود را خیلی زود خراب می‌کنند، از خرید این ابزار کارآمد برای آن‌ها سر باز می‌زنند. اولیا و مربیان برای حل این مشکل نیز می‌توانند اقداماتی مناسب انجام دهند؛ مثلاً از اسباب‌بازی‌های مقاوم‌تری استفاده کنند یا حتی نگهداری و استفاده درست از اسباب‌بازی را به کودک



دانشگاه برای اولین بار در سطح کشور اقدام به برگزاری نمایشگاه صنعت اسباب‌بازی و دستاوردهای دومین مسابقه ملی طراحی و ساخت اسباب‌بازی کرد. در این نمایشگاه شرکت‌های مرتبط با صنعت اسباب‌بازی اعم از تولیدکنندگان، وارد کنندگان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و همچنین دیگر متولیان عرصه کودک و نوجوان حضور داشتند و با برپایی غرفه‌هایی به ارائه دستاوردهای صنعت اسباب‌بازی و محصولات خود پرداختند. هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه و مسابقات، دبیرخانه مسابقه ملی طراحی و ساخت اسباب‌بازی با هدف افزایش سطح کیفی اسباب‌بازی‌های ساخته شده اقدام به برگزاری کارگاه‌های آموزشی طراحی و ساخت اسباب‌بازی برای شرکت‌کنندگان کرد و در نهایت، فصلنامه هنر و طراحی صنعتی چهارباغ با همکاری وبگاه خانواده دانشگاه صنعتی شریف، دومین همایش تخصصی طراحی اسباب‌بازی با عنوان «اسباب‌بازی خوب» را

آن می‌گذارد؛ به این ترتیب که کودکان تیزهوش (به دلیل توانمندی زیاد) و کودکان کم‌هوش (به دلیل توانمندی کم) بیشتر به بازی‌های انفرادی روی می‌آورند و کودکانی با بهره هوشی متوسط به بازی‌های گروهی علاقه بیشتری نشان می‌دهند. عامل پایانی عامل محیطی است. تحرکات محیطی، امکانات موجود و موقعیت و وضعیت جغرافیایی در نحوه انتخاب اسباب‌بازی بسیار مؤثر است.

با توجه به تأثیرات بسیاری که استفاده از اسباب‌بازی بر رشد و نمو کودکان و نونهالان و در نهایت جامعه می‌گذارد، توجه بسیاری از روان‌شناسان، کارشناسان و حتی مسئولان امر به این مسئله معطوف شده است. بر این اساس، پایگاه ارتباط با دانش آموزان دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۸۹ اقدام به برگزاری اولین دوره مسابقات ملی طراحی و ساخت اسباب‌بازی ایران کرد. این دانشگاه با توجه به استقبال گسترده از دوره پیشین مسابقات و

خود آموزش دهند. با این تفاسیر، حتی در خراب کردن اسباب‌بازی هم آموزشی نهفته است؛ مثلاً کودک درمی‌یابد وسیله‌ای که بسیار دوستش دارد، ممکن است بی‌هیچ دلیلی از بین برود. پس باید برای لحظات بدون آن چاره‌ای بیندیشد یا در صدد تعمیر آن برآید. از این طریق او به صورت ضمنی مهارت‌های اجتماعی را نیز می‌آموزد.

با تأکید بر این مطلب که والدین باید اسباب‌بازی‌های مناسب را در اختیار کودکان خود قرار دهند، می‌گوییم که به عوامل مؤثر در انتخاب درست اسباب‌بازی هم لازم است دقت شود که مهم‌ترین آن‌ها سن، جنس، هوش و محیط است. کودک در سنین مختلف به اسباب‌بازی‌های متفاوتی واکنش نشان می‌دهد و باید توجه کرد که اسباب‌بازی متناسب با سن کودک در اختیار وی قرار گیرد. جنسیت از دیگر عوامل تأثیرگذار در بازی است. در تفاوت بازی میان دختران و پسران عمده‌ترین عوامل عبارت‌اند از: اول، آنچه به طبیعت

در روز چهارشنبه دوم اسفند ۹۱ برگزار کرد. ارتقای سطح دانش و آگاهی جامعه، طراحی و آموزش برای کودکان، تبیین ارزش‌ها و نگرش‌های مطرح در اسباب‌بازی خوب و همچنین ایجاد بستری برای ارتباط میان صنعت و دانشگاه از اهداف این سمینار بود. البته گام‌هایی در این زمینه طی سال‌های گذشته برداشته شده است که البته کافی به نظر نمی‌رسند و باید توجه بیشتری به این بخش معطوف شود.

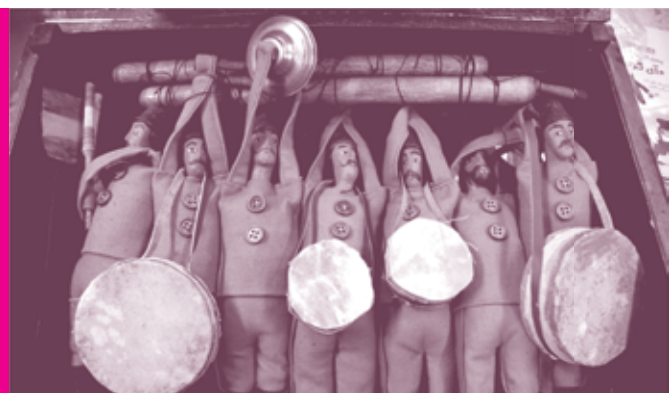
یکی از مهمانان ویژه همایش اسباب‌بازی خوب درباره اهمیت اسباب‌بازی می‌گوید:

چون کودکان و نوجوانان تنها با بازی

قرار نمی‌دهد و اساس کار تنها بر پایه حفظ کردن مطالب است. به عبارت دیگر، کودک واقعیت‌های علمی را کشف نمی‌کند بلکه آن‌ها همچون اطلاعات از پیش تعیین شده به دانش آموز داده می‌شوند. به همین دلیل، حتی خود ما اگر به دوره‌های آموزشی برگردیم، می‌بینیم که بسیاری از آموخته‌هایمان را فراموش کرده‌ایم؛ زیرا خود آن مطالب را کشف نکرده‌ایم. اگر در دوره ابتدایی تحصیلی (دبستان و پیش دبستان) کودک با روحیه جست‌وجوگر خود با اسباب‌بازی‌ها و وسایل آموزشی کار کند و فعالانه در این زمینه مشارکت داشته باشد، می‌توان گفت که یادگیری واقعی



اتفاق می‌افتد. متأسفانه، خانواده‌ها بر اساس نظام آموزشی‌ای که به آن‌ها تحمیل شده است، تنها یک هدف را دنبال می‌کنند و آن کنکور است. آن‌ها فکر می‌کنند کودکی که بازی می‌کند، چیزی یاد نمی‌گیرد و تنها وقت خود را تلف می‌کند. در صورتی که بازی اساس تفکر کودک است. البته، اینکه بازی خوب چیست و کدام بازی مناسب چه سنی است نیز اهمیت بسیار زیادی دارد. به‌رغم تمام محاسنی که بازی کردن و اسباب‌بازی‌ها دارند، این ابزار می‌تواند آثار مخربی نیز داشته باشد. اگر اسباب‌بازی پیش از زمان مناسب یا پس از آن در اختیار کودک قرار گیرد یا اینکه مناسب نباشد (مثلاً با خشونت همراه باشد) ممکن است



و فعالیت یاد می‌گیرند، انواع بازی‌ها اساس تفکر و یادگیری آن‌ها هستند. کودکان از طریق بازی فکر می‌کنند. به همین دلیل حتی کودکان دبستانی دروسی مانند ریاضی، علوم و بسیاری از دروس دیگر را از طریق فعالیت‌هایی شبیه به بازی بهتر می‌آموزند، این مسئله خود بیانگر اهمیت بازی است. بازی انواع مختلفی دارد و بازی‌های سازنده، باقاعده، نمادین و نمایشی و... از این دست هستند. متأسفانه، به‌رغم اهمیت اسباب‌بازی، بسیاری از خانواده‌ها از این مهم غافل‌اند و این به دلیل نواقصی است که در نظام آموزشی ما وجود دارد. نظام آموزشی ما در دبستان و دوره‌های دیگر اساس کار را بر پایه فعالیت کودک

آثار زیانباری داشته باشد. در ماشین کنترلی، چیزی برای کشف وجود ندارد و این وسیله تنها جنبه سرگرمی دارد، اما اگر کودک شن‌بازی یا آب‌بازی کند و آب را از ظرفی به ظرفی دیگر بریزد، در حال یادگیری فیزیک است. بازی می‌تواند بدآموزی نیز داشته باشد. بنابراین، پدران و مادران، معلمان و مربیان باید مراحل رشد ذهنی کودک و انواع بازی‌های مناسب سنین مختلف، را بشناسند و این کاری کارشناسانه است و گروهی حرفه‌ای را می‌طلبد. باید در مجلات، روزنامه‌ها، تلویزیون و... درباره مراحل رشد ذهنی کودک و بازی‌های مناسب صحبت شود. علاوه بر تمام این مطالب اوضاع اقتصادی خانواده‌ها نیز مانع از آن می‌شود که خرید اسباب‌بازی در اولویت قرار گیرد. اگر شهرداری‌ها در مناطق مختلف اتاق‌های بازی تدارک ببینند، به بسیاری از خانواده‌ها که امکان تهیه و خرید اسباب‌بازی را ندارند، کمک می‌شود.

متأسفانه، در بسیاری از مهد کودک‌ها مربیان آگاهی لازم را ندارند و کودکان را مجبور به حفظ کردن مطالب می‌کنند. درواقع، ما دانش و علم را تنها در اطلاعات دادن می‌دانیم نه در کشف اطلاعات. علاوه بر تمام مطالب گفته شده، باید بر نحوه ساخت و کارایی اسباب‌بازی‌ها نظارت وجود داشته باشد؛ درحالی که متأسفانه، این نظارت در کشورمان تنها به کارهای اداری و سانسور مربوط می‌شود. باوجود این، کانون قدم‌های مثبتی در این جهت برداشت اما به دلایل مختلفی چون از امکانات کم این تلاش‌ها ادامه پیدا نکرد. در نظر داشته باشید که ناظران باید همچون راهنما ظاهر شوند، نه اینکه خود نیز به مانعی تبدیل شوند. اسباب‌بازی خوب مانند یک هنر خوب اگر به درستی معرفی شود، تأثیرات بسیار سازنده‌ای بر کودک و جامعه خواهد گذاشت و حتی ممکن است به منبع درآمد تبدیل شود.

ماهنامه مشاوره و روان شناسی

برای جوانان و خانواده‌ها سپیده‌دانایی

همه خانواده‌ها با هر سبک فرزندپروری و هر نوع کودک دارای اختلال یا عادی برای تغییر فکر، نگرش یا تصحیح رفتار خود به اطلاعات کارشناسی شده نیاز دارند.

در این باره نیز در جامعه ما و دیگر جوامع برای حل مسائل، رسیدگی به پرسش‌ها و پاسخ‌گویی به مشکلات خانواده‌ها و والدین در ارتباط با خود و فرزندانشان مطالب علمی بسیاری وجود دارد. مربیان، مدیران و خانواده‌های کودکان غالباً خواستار مطالعه مطالب و نوشته‌هایی هستند که ضمن سادگی و روانی، شفاف و علمی و نیز قابل اعتماد باشند. ماهنامه سپیده‌دانایی که مجله‌ای کاربردی و علمی است، به دلیل برخورداری از ویژگی‌های یاد شده به این وسیله به علاقه‌مندان معرفی می‌شود.

ویژگی‌ها

ماهنامه برای مخاطبان مختلف تنظیم شده و دربردارنده طیف وسیعی از مسائل اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی و خانوادگی به‌روز است. کارشناسان بسیاری با این مجله همکاری و مشارکت فکری دارند.

در شماره خرداد ۹۲ مطالب مفصلی درباره نقش بازی در رشد کودکان با عنوان «بازی گمشده کودکان امروز» به

چاپ رسیده که حاوی اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره بازی‌های کودکان در مراحل مختلف رشد است و کارشناسانی از دانشگاه‌ها و سطوح مختلف اجتماعی در این زمینه خانواده‌ها را هدایت و راهنمایی کرده‌اند. صفحات ۸۸-۵۲ شماره ۶۶ ماهنامه به بحث درباره بازی و جایگاه مؤلفه‌ها و پیامدهای آن، تأثیرات قرار گرفتن بازی‌های رایانه‌ای به جای بازی‌های فعال کودکانه و بازی کار کودک اختصاص دارد. همچنین بازی‌های کودکانه امروزی، بازی‌ها و اسباب‌بازی‌های مناسب کودکان، چرا برخی والدین به بازی کودکان کمتر اهمیت می‌دهند، و آنچه والدین درباره نقش خود در زمینه بازی‌ها باید بدانند مطالب دیگری هستند که در این بخش و بر مبنای دیدگاه‌های فکری اندیشمندان و کارشناسان مطرح شده است. کتاب‌هایی نیز در زمینه بازی کودکان به خانواده‌ها معرفی شده است. ماهنامه سپیده‌دانایی را از روزنامه‌فروشی‌ها می‌توان تهیه کرد.

مجله رشد پیش‌دستانی

جهت ایفای نقش خود در ارتقای سطح دانش و آگاهی مربیان و خانواده‌ها و علاقه‌مندان به کودکان، این ماهنامه و به‌ویژه این شماره آن را معرفی می‌کند؛ باشد که بخوانند و بیشتر بدانند.



برنامه آموزشی «های اسکوپ»

سعید شایگان دوست
کارشناس ارشد پیش دبستان

کلیدواژه‌ها:

های اسکوپ، برنامه
آموزشی، کودک محوری



امروزه، در دنیای علم و پژوهش، هر روز شاهد پیشرفت‌هایی در رویکردهای آموزشی هستیم. اغلب این رویکردها از منظر رفتارگرایان، شناخت‌گرایان و روان‌شناسان تحول‌گرا و انسان‌گرا قابل بررسی و مطالعه است. حاصل تفکرات دانشمندانی چون اسکینر، پیاز، برونر، ماریا مونته‌سری، پستالوژی و دیگران تا دکنتر ویکارت از دانشگاه میشیگان در سال ۱۹۶۰ این پرسش را مطرح کرد که اگر بخواهیم الگویی برای رشد کودک در نظر بگیریم، آن الگو کدام است. سرانجام، الگوی نظریه تحولی پیاز مورد توجه او قرار گرفت که مقدمه‌ای بود برای اجرای الگوی کودک‌محور های اسکوپ در مراکز پیش‌دبستانی.

اگرچه های اسکوپ^۱ نظامی آموزشی است که نظریه را با عمل توأم می‌کند، در حال حاضر، به بنیادی تبدیل شده است که می‌توان گفت از حرفه‌ای‌ترین سازمان‌های علمی در حوزه رشد و تکامل خردسالان است. این بنیاد با حمایت دولت ایالات متحده از سال ۱۹۷۰ طرح پژوهشی بزرگی را در دست بررسی داشت و پس از ۲۷ سال، نتیجه را اعلام کرد. این تحقیق به بررسی افرادی پرداخت که از ۱۹۷۰ و هنگام خردسالی تحت پوشش برنامه‌های آموزشی آن‌ها بودند. نتایج تحقیق نشان داد کودکانی که در خردسالی در مراکز پیش‌دبستانی با برنامه‌های آموزشی های اسکوپ بودند، شغل‌های خوب و مناسب و درآمدهای بالایی به‌دست آورده‌اند، خانواده تشکیل داده‌اند، خطاهای قانونی و قضایی ندارند، کمتر به طلاق روی آورده‌اند و در کل، در سطح به‌هنگار جامعه افرادی موفق هستند. این تحقیق توجه بسیاری از دولت‌ها را به آموزش جدید و هر چه سریع‌تر خردسالان جلب کرد. به‌طوری که یونیسف، یونسکو و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی فعال در آموزش خردسالان با این پژوهش به‌ضرورت آموزش خردسالان پی بردند و به ترویج آن پرداختند. این تحقیق حتی به دولت آمریکا نشان داد که براساس هر دلاری که برای خردسالان سرمایه‌گذاری کند، پس از ۲۷ سال هفت دلار صرفه‌جویی کرده است. از این‌رو بود که بانک جهانی نیز به ترویج این شعار پرداخت که «شش سال سرمایه‌گذاری کن و شصت سال بهره ببر».



آشنایی با نظام آموزشی های اسکوپ

که دوست

● **حق انتخاب:** کودکان حق انتخاب دارند که از وسایل چگونه استفاده کنند. برای مثال، به‌عنوان مربی به کودک یک حلقه نوار چسب می‌دهید. انتظار می‌رود کودک از این چسب برای چسباندن استفاده کند؛ درحالی‌که ممکن است چه فعالیت‌هایی را انجام بدهد. بخواند از آن همچون ابزاری برای اندازه‌گیری و ضربه‌زدن استفاده کند یا از آن الگو یا گلدان بسازد.

برای مثال، کودک

می‌گوید دوست دارد

نمی‌توان گفت ابزار و وسایل برای کودک تکراری می‌شود بلکه کودک ادراکی متفاوت را در هر موقعیت نقاشی کند، بازی کند، رشدی تجربه می‌کند. بدین ترتیب، دست مربی و معلم به نوعی باز است که در زمان‌های متفاوت ابزار، قصه بخواند، ریاضی کار مفاهیم و موضوع‌های قبلی را با کودک دوباره کار کند و نگران نباشد که آن موضوع به‌ظاهر تکراری است. کند، میان وعده‌اش را بخورد و کارهایی از این دست. مربی در این

مسیر کارت‌های فعالیت را

مربی قضاوت یا راهنمایی نمی‌کند، بلکه از طریق گفت‌وگو می‌تواند بفهمد که کودک چه می‌اندیشد. جدا و فعالیت برنامه روزانه را مشخص می‌کند. اگر کودکی در غیر این صورت، هرگز نمی‌توان خواسته و نیاز کودک را درک کرد.

به راستی فقط یک فعالیت را

انتخاب کند و تصمیم بگیرد از

کودکان حق دارند خطا کنند و اصولاً خطا کردن لازمه رشد کودکان است. قرار نیست حتی ابتدا تا انتها یک فعالیت انجام بدهد، چنین فرصتی به او داده می‌شود. ممکن است کودک تمام فعالیت‌های اصلاح نشود و پیوسته غلط‌هایش گرفته نشود، فرصت تجربه برایش ایجاد می‌شود که حاصل آن اعتمادبه‌نفس بالا و عزت‌نفس فراوان خواهد بود.

سنگین را در انتهای برنامه کاری‌اش جا

دهد. حتی در این حالت نیز به کودک اجازه

● **برنامه روزانه در مراکز های اسکوپ**
طی روز برنامه‌های گوناگونی برای کودک وجود دارد که می‌تواند شامل بازدیدهای محلی و موضوع‌ها یا کارهای متنوع باشد اما در همه این فعالیت‌ها کودکان انتخاب کننده اصلی هستند.

فعالیت‌ها بر سه اصل مهم استوارند:

مربی در این بخش راهنما نیست بلکه فقط

برنامه کاری را به کودک یادآوری می‌کند و او را آگاه

می‌کند که در کدام بخش از برنامه خود است و سپس،

می‌خواهد چه کار کند. جالب توجه اینکه مربی در هر

عمل و فعالیت کودک همراه اوست و سعی می‌کند در

صورت لزوم همان کارها را با کودک انجام دهد و او را

راهنمایی کند. مربی یادآوری می‌کند، اما اصرار نمی‌کند یا

کودک را به رعایت برنامه یا فعالیتی که جا انداخته یا اضافه

کرده است، مجبور نمی‌کند. در این الگو، هیچ کودکی به بهای

تحقیق یا سرزنش کودکی دیگر تشویق نمی‌شود.

بازبینی

هر کودک منحصرأ فرصت پیدا می‌کند که در کنار مربی خود

برنامه‌های انجام شده یا نشده‌اش را تحلیل کند. کودک فقط انتخاب

● برنامه‌ریزی

کودکان با ورود به کودکانستان برنامه

روزانه خود را تنظیم می‌کنند.

هر کودک در ابتدای

هر روز مشخص

می‌کند

اگرچه های اسکوپ نظامی آموزشی است که نظریه را با عمل توان می‌کند، در حال حاضر، به بنیادی تبدیل شده علمی که می‌توان گفت از حرفه‌ای‌ترین سازمان‌های است

نمی‌کند بلکه باید براساس انتخاب خود وظیفه و مسئولیتی را نیز بپذیرد و پاسخ‌گوی انتخاب‌های خود باشد.

در برنامه آموزشی‌های اسکوپ هیچ برنامه‌ای منطبق بر حفظ کردن نیست. برای هر حرکت، فعالیت یا تصمیم کودک، دلیل و برهان خواسته می‌شود و کودک ترغیب می‌شود دلایلش را برای هر تصمیم و انتخاب بیان کند.

حوزه‌های آموزشی

مراکز آموزشی‌های اسکوپ در ده حوزه آموزشی با کودکان کار می‌کنند که عبارت‌اند از:

نمایش خلاق، زبان آموزی و سوادآموزی، ابتکار عمل و روابط اجتماعی، حرکت، موسیقی، طبقه‌بندی، مجموعه‌سازی، عدد، فضا و زمان.

مراکز اجراکننده الگوی‌های اسکوپ نمونه تمام‌عیاری از کودک‌محوری هستند. شاید بتوان گفت که هیچ نظام آموزشی‌ای تاکنون موفق نشده است کودک‌محوری را تا این حد کامل، دقیق و همه‌جانبه ببیند و اجرا کند. امتیاز دیگر این الگوی آموزشی نسبت به الگوهای مشابه خود - که عنوان کودک‌محوری را یدک می‌کشند - تمرکز بر تحول روانی از دیدگاه پیاژه است. از آنجا که یکی از اصول دیدگاه پیاژه فعالیت مستقیم و بی‌واسطه کودک با موضوع است و اینکه خود کودک باید به شیوه خود به درک آن برسد، به نوعی انحصاری‌ترین الگو و روشی به‌شمار می‌رود که به کودک‌محوری به‌معنای صحیح آن نزدیک شده است. خلاقیت بالا، اعتماد به نفس بی‌نظیر، کشف توانایی‌ها و کار مداوم روی استعدادها و در نهایت، موفقیت کودک در صحنه‌های زندگی در بزرگسالی محصول این الگوی آموزشی است.

پی‌نوشت

1. High - scope

منابع

۱. یوسفی، ناصر؛ رویکردهای آموزشی، چاپ اول، تهران، کارگاه کودک، ۱۳۹۱.
۲. www.highscope.com تهران، یونیسکف، ۱۳۷۸.

آشنایی با مراکز پیش دبستانی

خانه کودک

اشاره

خانم ماریا مونته‌سوری، مربی ایتالیایی، در مدارس خود به نام «خانه کودکان» توانست روش کار و ویژه‌ای بنا نهد که امروز نیز در کشورهای مختلف برای کودکان قابل اجراست. در اینجا به گزارش کوتاهی از مجتمع شهید مهدوی می‌پردازیم که مرکز پیش دبستانی آن با بهره‌گیری از تجارب ارزشمند مونته‌سوری اداره می‌شود.

پیش دبستان مجتمع آموزشی شهید مهدوی به نام **خانه کودک مجتمع مهدوی**، اولین پیش دبستان به شیوه مونته‌سوری، کار خود را در سال ۱۳۸۳ در ایران شروع کرد و هم‌اکنون با پویایی تمام به تلاش‌های خود در جهت رفع نیازهای واقعی کودکان در این سنین خاص و با توجه به فرهنگ مبتنی بر خدایاوری ادامه می‌دهد.

این روش را به این دلیل انتخاب کردیم که با فلسفه آن - که اعتقاد به حضور دائمی خداوند در وجود کودک و رشد همه جانبه اوست - هم‌فکر و هم‌نوا هستیم: آموزش همه‌جانبه‌ای که به رشد طبیعی کودکان و گرایش فطری آن‌ها به یادگیری بها می‌دهد.

خانه کودک مجتمع آموزشی شهید مهدوی محیطی است مناسب برای رشد کودکان که هم بسیار زیباست و هم پر مهر همچون خانه. مدرسه‌ای است خانه مانند و مملو از محبت و وسایل کمک آموزشی. با این هدف که بتواند تجربه‌هایی فراوان برای زندگی واقعی کودکان فراهم کند. این روش موفقیت‌های تحصیلی آینده کودکان را با برنامه درسی منظم، جذاب و در عین حال انعطاف‌پذیر خود پی‌ریزی می‌کند. اندیشمند شهیر، دکتر ماریا مونته‌سوری، براساس تجارب و مشاهدات علمی خود اصل پذیرفته شده «از کودک پیروی کنید» را محور کار این روش قرار می‌دهد. بدان معنا که باید به هر کودکی کمک شود تا خودش براساس نیاز و سرعت طبیعی خویش، جایگاهش را در پیرامون کشف کند. کودکان این سن به‌طور ذاتی به تجربه‌های حسی و فعالیت‌های



مجتمع آموزشی شهید مهدوی

واقعی زندگی علاقه‌مندند. از این رو آموزش مونته‌سوری طوری طراحی شده است که امکان کارها و تعاملات واقعی را در محیطی جذاب مهیا کند تا کودکان یاد بگیرند که مستقل رشد کنند.

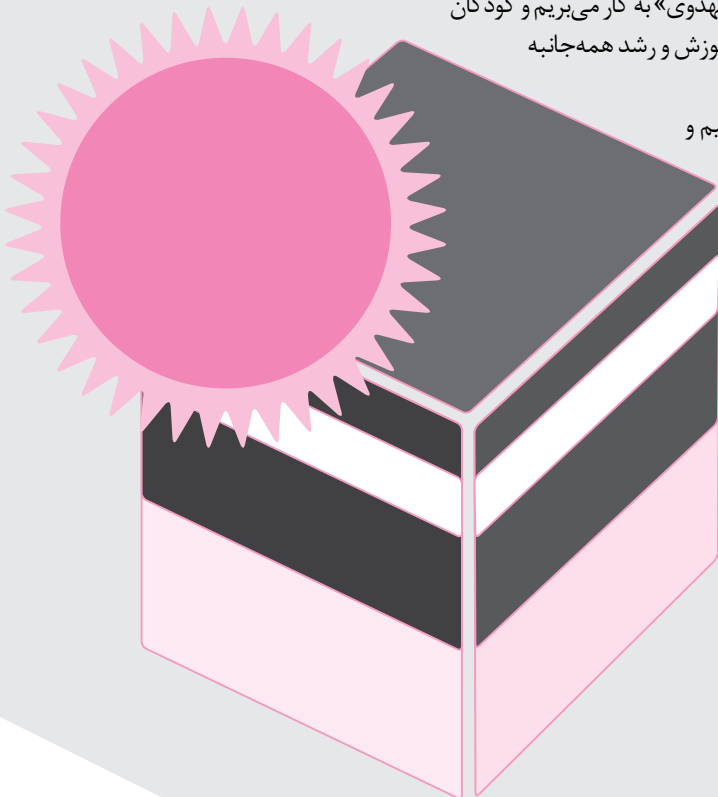
چالش‌ها و روش‌های آموزش در خانه کودک

بومی‌سازی روش‌های آموزش کودک محور و چگونگی استفاده از ابزارهای سالم و آموزنده همواره یکی از دغدغه‌های مهم مادر بخش آموزش کودک بوده است. بدین منظور، همگام با اکثر دست‌اندرکاران آموزش کودکان تلاش کرده‌ایم با درگیر کردن و تشویق آن‌ها به استفاده از ابزارهای مفید، متناسب با سن و پایه تحصیلی‌شان و سیر در طبیعت و محیط زندگی واقع آن‌ها بستر مفید و کارآمدی برای آموزش کودکانمان در «خانه کودک مهدوی» فراهم کنیم که خوشبختانه، در این کار به میزان چشم‌گیری موفق بوده‌ایم.

اتکای اصلی ما در این رویکرد بر استفاده از آموزه‌های دینی و باورهای فرهنگی و ادبی کشور است. توجه ما برای گزینش این رویکرد، که امروزه اکثر کارشناسان سراسر جهان جهان‌شمولی و کارایی آن را تأیید می‌کنند، و تنها ضرورت پیش رو به کارگیری این مواد و محتویات در قالب‌های نوین و مورد پذیرش کودکان و نوجوانان است. از سوی دیگر، آشنا ساختن کودکان و نوجوانان با مسائل و میراث فرهنگی خود از جنبه‌های مورد تأکید است که ما این مهم را در «خانه کودک مجتمع آموزشی شهید مهدوی» به کار می‌بریم و کودکان را از طریق آشناسازی آن‌ها با هویت بومی خود برای ورود به مراحل بعدی آموزش و رشد همه‌جانبه در عرصه مادیات و معنویات آماده می‌کنیم.

نمایش و قصه‌گویی از متداول‌ترین روش‌های آموزش شعائر، مفاهیم و آموزه‌های دینی به کودکان است. در ادامه، نمونه‌ای از نحوه آموزش یک باور دینی در «خانه کودک مجتمع آموزشی شهید مهدوی» ارائه می‌شود.

معلم ماکت خانه خدا را در نمازخانه مدرسه گذاشت. همه بچه‌ها لباس احرام به تن کردند و لبیک‌گویان همراه معلم وارد نمازخانه شدند، طواف کردند و همه با هم حاجی شدند. بعد از آن، به کلاس برگشتند. در این زمان، همه‌گونه پرسش درباره چیهستی، چرایی و چگونگی مراسم شروع شد. معلم باحوصله به پرسش‌های کودکان اما عمیق بچه‌ها پاسخ می‌داد. از فردا همه به هم حاج خانم می‌گفتند و از خاطره‌های بسیار خوبی که بعد از آن، در خانه برایشان اتفاق افتاده بود، حرف می‌زدند. بعضی بچه‌ها که پیش از آن با خانواده‌هایشان به مکه رفته بودند، خوشحال بودند که این بار همراه دوستان و آموزگار خود این مراسم زیبا را به جا آورده‌اند.



کلیدواژه‌ها: مالزی، برنامه آموزشی، آموزش پیش دبستانی، اهداف آموزشی

مالزی از توسعه یافته ترین کشورهای آسیای جنوب شرقی از نظر اقتصادی است که در عین حال از تنوع فرهنگی زیادی برخوردار است.

این کشور از دو خشکی مجزا تشکیل شده است که شبه جزیره مالی و بورنئو خوانده می شوند.

پایتخت مالزی «کوالالامپور» است اما وزارت خانه ها و مراکز اداری این کشور، در شهر تازه تأسیس «پوتراجایا» مستقرند.

این کشور با کشورهای تایلند، اندونزی، سنگاپور، برونئی و فیلیپین همسایه است و در نزدیکی خط استوا قرار دارد؛ به همین دلیل آب و هوای استوایی دارد و پوشیده از جنگل های انبوه است.

کشور فدراتیو مالزی استقلال خود را در ۳۱ آگوست ۱۹۵۷ به دست آورد. این کشور در گذشته جزء قلمرو امپراتوری بریتانیا محسوب می شد.

مالزی در سال های اخیر به برنامه های توسعه ای روی آورده و از همین رو در زمره کشورهای صنعتی جهان قرار گرفته است.

کشور مالزی برای آموزش نوآموزان در دوره پیش دبستانی و مهد کودک اهمیت زیادی قائل است و از همین رو دو مرکز مهد و آمادگی یا دوره پیش دبستانی را به منظور آماده کردن نوآموزان برای ورود به مدرسه و جامعه طراحی کرده است. دوره پیش دبستانی و آمادگی در مالزی رسمی و اجباری نیست. با این حال، دولت و خانواده های مالزیایی تأکید فراوانی بر شرکت کودکان در این دوره دارند. اکنون بیش از ۸۰ درصد کودکان چهار و پنج ساله مالزیایی در کلاس های پیش دبستانی حضور می یابند که تأثیر بسیاری بر فرایند آموزشی آنان دارد. به عقیده مقامات مالزیایی، برنامه های آموزشی مراحل آغازین کودکی در آماده سازی کودکان برای برخورد با مسائل و مشکلات آینده اهمیت بسیار دارند. بدین منظور ایجاد این مراکز در این کشور پیش بینی شده است. در مالزی، کلاس های مهد کودک دست کم با حضور چهار کودک تشکیل می شود و در قبال آموزش و نگهداری کودکان هزینه هایی نیز از آنان دریافت می گردد.

این مراکز که کودکان زیر چهار سال

را هم می پذیرند، به دو دسته مراکز خانگی و عمومی تقسیم می شوند. مراکز خانگی کمتر از ده و مراکز عمومی بیش از ده کودک را می پذیرند. این مراکز به صورت نیمه وقت یا تمام وقت به مراقبت از کودکان می پردازند. آموزش پیش دبستانی و آمادگی یک دوره غیر رسمی و اختیاری در مالزی است که به آموزش کودکان چهار تا پنج سال می پردازد. طول مدت حضور کودکان در این مراکز یک تا دو سال است. مراکز یاد شده که بیشتر به صورت خصوصی اداره می شود، در مراکز شهری از تراکم بیشتری برخوردارند. شهریه مراکز یاد شده متفاوت است و اغلب با محاسبه هزینه ثابت و براساس نرخ تقاضا تعیین می شود. با این حال، وزارت آموزش و سازمان های دولتی آموزش پیش دبستانی برای کودکان قشر های کم درآمد شهری و روستایی را به طور رایگان یا با کمترین شهریه برگزار می کنند و اولویت پذیرش در این کلاس ها با افرادی است که توان پرداخت شهریه





مراکز پیش دبستانی خصوصی را ندارند.

با وجود اجباری نبودن آموزش پیش دبستانی در مالزی، اکثر کودکان دوره آموزش پیش دبستانی (۴ تا ۵ سالگی) را در کودکانستان های خصوصی یا دولتی می گذرانند. آموزش پیش دبستانی (مهد کودک) را بنگاه های دولتی گوناگون (مانند وزارت آموزش، وزارت توسعه روستایی، وزارت اتحاد ملی و هیئت های قانونی)، تشکلهای خصوصی (که تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش مالزی به ثبت نام انحصاری از کودکان خارجی مبادرت می نمایند) و سازمان های داوطلب فراهم می کنند.

وزارت آموزش مالزی نهادی دولتی است که دستورالعمل های لازم و برنامه های درسی مؤسسات آموزشی پیش دبستانی را تهیه و تدوین می کند و تمام مهدکودک ها مجبورند مجموعه راهنمای درسی ای را دنبال کنند که وزارت آموزش فراهم و ابلاغ کرده است. آموزش پرستاران کودک توسط وزارت توسعه روستایی و نواحی و دیپارتمان رفاه اجتماعی فراهم شده است. آموزگاران پیش دبستانی تحت نظارت سازمان ها و مؤسسات ویژه تعلیم می بینند و با روش ها و رویکردهای گوناگون به آموزش کودکان پیش دبستانی اقدام می کنند. (دفتر اطلاع رسانی و سنجش افکار، نظام آموزشی کشور مالزی، «بی تا»)

برنامه های آموزشی

برنامه معینی برای آموزش کودکان در مراکز پیش دبستانی وجود ندارد و هر مرکز می تواند برنامه های خاص خود را داشته باشد. تنها مربیان مهد هستند که آموزش و تحصیلات یکسانی دارند. بخشی از این تحصیلات شامل روان شناسی کودک، روش های آموزش، نگهداری از کودک و... است. اغلب بخش خصوصی دوره پیش دبستانی را اداره می کند اما تعداد کمی مراکز دولتی نیز برای این کار وجود دارند. تمام مراکز پیش دبستانی باید ثبت قانونی شده باشند و ضوابط خاصی را اجرا کنند. برای مثال، همه آن ها باید قوانین بهداشتی تعیین شده را رعایت کنند یا تجهیزات آتش نشانی داشته باشند.

دوره پیش دبستانی دو سال است که زیر نظر آموزش ملی این کشور فعالیت می کند. برنامه پیش دبستانی بر پایه برنامه های مناسب برای کودکان چهار تا شش ساله تدوین شده و با رشد، علائق و نیازهای یگانه آن ها سازگار است. برنامه درسی پویا و کودک محور به تمام افرادی که در هر کلاس قرار دارند، پاسخ گویی می کند. ساعات آموزشی پیشنهاد شده سه ساعت و سی دقیقه در هر روز و پنج روز در هفته است. ارزشیابی از عملکرد کودکان قسمتی از برنامه پیش دبستانی است که همیشگی و غیر رسمی است.

جدول زمانی فعالیت ها

فعالیت های کلاسی	۹۰ دقیقه (بیرون و داخل کلاس)
فعالیت های گروهی	۶۰ دقیقه
فعالیت های آزاد	۳۰ دقیقه
صبحانه و استراحت	۳۰ دقیقه

آموزش پیش دبستانی در مالزی

دکتر محمد آرمند
فاطمه بهرامی



با وجود اجباری نبودن آموزش پیش دبستانی در مالزی، اکثر کودکان به آغاز آموزش خود از پیش دبستانی (۴ تا ۵ سالگی) در کودکان های خصوصی یا دولتی مبادرت می ورزند

افکار، نظام آموزشی کشور مالزی، «بی تا»

درصد ورودی های جدید با تجربه آموزش پیش دبستانی بین سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ بالغ بر ۸۰ درصد به بالا بوده است. در سرشماری ملی سال ۱۹۹۷ بوده که درباره نرخ ورودی مدارس ابتدایی برخوردار از آموزش پیش دبستانی انجام گرفت، مشخص شد که درصد بالایی (۷۸/۷ درصد) از دانش آموزان، شکلی از آموزش پیش دبستانی را گذرانده اند. طبق این بررسی تفاوت چشمگیری میان ورودی های جدید دختر و پسر کلاس اول وجود نداشته است.

درصد بالای ورودی های کلاس اول، که به نوعی از فعالیت های آموزشی پیش دبستانی برخوردار بوده اند، نشانگر این حقیقت است که اولیا به صورت فزاینده ای از اهمیت آموزش طی سال های آغازین شکل گیری کودکانشان آگاه اند. حضور کودکان در مدارس پیش دبستانی شروع مثبتی برای پیشرفت آتی تحقیقاتی است که از سوی وزارت آموزش با همکاری یونیسف طی سال ۱۹۹۷ به عمل آمد و نشان می دهد که عملکرد آن دسته از دانش آموزان مدارس ابتدایی که پیش تر تجربه آموزش پیش دبستانی داشته اند، از هم کلاسی های بی بهره از چنین آموزش هایی بهتر بوده است.

بر اساس آمار یونسکو در سال ۲۰۰۲ (آمار موقت)، ثبت نام کلی در یک سال در برنامه آموزش پیش دبستانی (گروه ۵ ساله ها) ۲۶۵۹۸۱ کودک و نرخ ناخالص ثبت نام حدود ۹۹ درصد تخمین زده شده است. به علاوه ۲۵۱۱۶ معلم (۹۹ درصد زن) در این پایه به کار مشغول بوده اند و تعداد معلم نسبت به دانش آموز حدود ۱ به ۲۳ بوده است.

ارزیابی از طریق ابزارهای گوناگون شامل نظارت، برگه ها و پروژه های کاری کودکان انجام می گیرد که در سابقه شخصی شاگردان نگهداری می شود. نرخ مشارکت از ۲۲/۸ درصد در سال ۱۹۹۰ ۵۲/۷ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید. مشارکت افزوده شده بخش خصوصی و بنگاه های دولتی در فراهم کردن آموزش پیش دبستانی، تسهیلات با کیفیت بهتر و بیشتری را فراهم کرده است.

دستاوردهای آموزشی

روند رو به رشد مشارکت کودکان و شمار مراکز مراقبتی خردسالان نشان می دهد که طی سال های ۱۹۹۰-۱۹۹۸ در مؤسسات مختلف و متعدد عمومی از کودکان ثبت نام به عمل آمده است. سطح بالای مشارکت در مراکز مراقبتی کودکان طی سال های ۱۹۹۰-۱۹۹۸ همچنین بیانگر افزایش آگاهی والدین نسبت به اهمیت ترقی و تعالی کودکان خود در سنین خردسالی است. به همان نسبت که والدین از وضعیت مالی و رفاهی مطلوب تری برخوردار می شوند، نیاز آن ها به تجهیز کودکانشان به مهارت های مختلف برای مقابله با زندگی در آینده نیز افزایش می یابد. (دفتر اطلاع رسانی و سنجش



تا در پرتو همکاری‌ها و تشریک مساعی خود بدان دست یابند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ارتقا و بهبود سازوکارهای ارزشیابی تحصیلی
- طراحی و انتشار راهنماهای تحصیلی ویژه آموزگاران و کمک‌مربیان در خصوص چگونگی فراهم‌سازی تجربیات گوناگون برای کودکان
- طراحی، تدوین و برنامه‌ریزی مناسب تبلیغاتی در جهت افزایش میزان ثبت‌نام کودکان در مهدهای کودک
- کسب اطمینان از روند نظارتی صحیح برنامه‌های آموزشی هم‌زمان با تأسیس مراکز پیش‌دبستانی
- افزایش روند همکاری و هماهنگی میان‌سازمانی بین نهادهای دست‌اندرکار حوزه آموزش کودکان
- همگامی و هماهنگی با پیشرفت و تحولات فناوری اطلاعاتی و فرایند توسعه جهانی در حوزه آموزش کودکان
- تحت پوشش قرار دادن دست‌کم ۸۰ درصد کودکان چهار تا پنج ساله، تا سال ۲۰۰۳

- ارتقای کیفیت بازدهی آموزشی پیش‌دبستانی همگام با اجرای خط‌مشی‌های آموزش، و
- افزایش تعداد معلمان و مربیان پایه پیش‌دبستانی از ۱۲۴۰ به ۱۷۳۴۰ نفر طی سال ۲۰۰۳.

منابع

۱. (دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار، نظام آموزشی کشور مالزی، «بی‌تا»)
2. www.aftabir.com
3. www.majidgangachin.blogfa.com
4. www.irna.ir
5. www.studyco.com
6. www.malaysia.study2000.com
7. www.vista.ir

اهداف آموزشی

هدف اصلی مراکز آموزش پیش‌دبستانی در مالزی فراهم‌سازی زمینه و پایه‌ای محکم برای آموزش رسمی است. اهداف عمومی آموزش پیش‌دبستانی توانا کردن کودکان در این موارد است:

- پرورش عشق به کشور خود
- عمل به ارزش‌های مقدس و آموزش علوم اخلاقی (خوش‌رفتار شوند و ارزش‌های اخلاقی را تمرین کنند)
- بهره‌گیری همگانی از زبان ملی (به زبان ملی احترام بگذارید)
- پذیرفتن فعالیت‌های بدنی به‌منزله اساس سلامتی
- رشد بدنی از نظر بدنی رشد کنند و معیارهای سلامتی را تمرین کنند
- گسترش مهارت‌های تفکر انتقادی...
- (از طریق پرسش) و استفاده از تمام حواس
- ارتقای سطح استاندارد زندگی خانواده
- معرفی زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم آموزش
- ترویج مطالعات اسلامی
- ارتقای رشد عاطفی - اجتماعی شهروندان مالزیایی
- ارتقای رشد شناختی شهروندان مالزیایی
- رشد اعتمادبه‌نفس شهروندان مالزیایی
- کمک به والدین شاغل در جهت مراقبت بهتر از کودکان آنان، و
- فراهم‌سازی زمینه و شرایط لازم برای آن دسته از افرادی که به کودکان و فعالیت در مراکز مراقبتی کودکان علاقه‌مندند.
- (دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار، نظام آموزشی کشور مالزی، «بی‌تا»)

موضوعات درسی مراکز آموزشی پیش‌دبستانی - که به‌منظور آموزش ملی است - کودکان را قادر می‌سازد تا مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی اولیه و

سایر مهارت‌های مثبت برای آمادگی برای حضور در مدارس ابتدایی را فراگیرند. به‌طورکلی می‌توان گفت که آموزش پیش‌دبستانی در کشور مالزی به‌منظور تقویت و توسعه مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های عقلانی، مهارت‌های فیزیکی، مهارت‌های معنوی، مهارت‌ها و ارزش‌های زیباشناختی (خلاقیت و ابتکار) طراحی شده است. برای هر یک از مهارت‌های فوق، اهداف مشخصی مدنظر است. عناصر مهارت اجتماعی بر ارتباط متقابل کودکان با محیط اطراف و مردم، رشد خودآگاهی مثبت، انضباط، مسئولیت‌های اجتماعی و برخورداری از دید مثبت به آموزش تأکید دارند و عناصر مهارت‌های عقلانی نیز بر درک محیط فیزیکی، مفاهیم، فضا، اعداد، الفبا، مقدمات نوشتن، خواندن و توانایی‌های زبانی تأکید می‌کنند. عناصر مهارت‌های معنوی زیباشناسی کودکان بر تلقین صفات نیک و اعتقاد به پروردگار و مهارت‌های زیباشناختی نیز به تقویت حسی از طریق آموزش کاردستی، طراحی، موسیقی و حرکات موزون تأکید دارد.

اصول آموزشی

اساساً اصول برنامه درسی پیش‌دبستانی عبارت‌اند از:

- الف) فهم شخصیت کودکان (آن‌ها فعال و کنجکاو و به محبت، توجه و امنیت نیاز دارند)
- ب) مواجه شدن کودکان با یک محیط غنی و برانگیزاننده، و
- ج) برنامه درسی یک دامنه از مواد حمایتی مانند مواد چاپی، چند حسگری، تعاملی و دوستانه را فراهم می‌آورد.

از جمله مهم‌ترین اصول مراکز آموزش پیش‌دبستانی که سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌های گوناگون درصدد هستند



با مهربان

یک تجربه

جمیله جامی الاحمدی
مدیر دبستان فاطمه عباد عسکری
خراسان رضوی - تربت جام



از انجمن اولیا دعوت کردم و ایده‌ام را با آنان در میان گذاشتم. تصمیم گرفته بودم دیوارهای آجری مدرسه را به دست نقاشی زبردست بسپارم تا پس از آنکه رنگ سفید - که به پاک‌ی دل دانش‌آموزانم بود - بر دیوارها نقش بست، اسامی تک‌تک بچه‌ها را روی دیوارهای سالن بنویسم تا هر اسم با یک رنگ شاد زینت‌بخش آجرهای سرد و بی‌روح شود. پس از شناسایی اولیای توانمند در زمینه نقاشی ساختمان، این کار آغاز شد و در پایان در کنار نام هر دانش‌آموز، تصویر گلی نقش بست که نشان‌دهنده یادآور وجود گل‌های معطر این گلستان بود. نقاشی به پایان رسید. وقتی در سالن ایستاده بودم و به اسامی بچه‌ها می‌نگریستم، صدای فریاد و غوغا و خنده‌های کودکانه‌شان در گوشم می‌پیچید و بی‌صبرانه برای آغاز سال تحصیلی لحظه شماری می‌کردم.

مهرماه از راه رسید. بچه‌ها یکی‌یکی وارد سالن مدرسه می‌شدند. شوق وصف‌ناپذیری که از دیدن اسامی خودشان در آن‌ها ایجاد شده بود، خستگی را از وجودم بیرون راند. آن‌ها که از این تغییر در مدرسه هیجان زده شده بودند، اسامی خود را پیدا می‌کردند و به دوستانشان، نشان می‌دادند. عکس‌العمل همکاران و اولیا نیز در نوع خود در خور توجه بود.

من توانسته بودم اهدافی را که در ذهن داشتم، تحقق بخشم. حالا بچه‌ها یقین داشتند که مدرسه خانه دوم آن‌هاست و حضورشان در مدرسه مهم است و دیده می‌شود.

بدون شک ایجاد فضای امن و بانشاط یکی از اصول اولیه کار در حیطه مدیریت است و این امر در مدیریت آموزشی اهمیت دارد. مدرسه‌ای که من عهده‌دار مدیریت آن هستم، در حاشیه شهر تربت‌جام در استان خراسان رضوی واقع شده است و دانش‌آموزانش عمدتاً از خانواده‌های محروم و زحمتکش هستند. در طول دوران خدمتم، چه در دوران تدریس و چه در سال‌های مدیریت، احترام خاصی برای اقشار محروم و مستضعف قائل بوده‌ام. وقتی به چهره‌های معصوم این کودکان که وجودشان سرشار از مهر و عاطفه است و استعدادهای بالقوه‌ای نیز دارند می‌نگرم، برای خدمت‌رسانی بیشتر انگیزه پیدا می‌کنم و تمام تلاشم را به کار می‌بندم که از هر فرصتی برای ارتقای شخصیت و ایجاد انگیزه آنان بهره‌گیرم.

یکی از اقداماتم در این زمینه این بود که با توجه به اهدافم، از ایجاد فضای آموزشی حمایت کنم. اهداف دیگر عبارت‌اند از:

- ارتقای حس اعتماد به نفس در دانش‌آموزان
 - ایجاد انگیزه برای حضور پرشورتر در مدرسه
 - تبدیل محیط خشک و بی‌روح آموزشگاه به فضایی شاد و حمایت‌گر
 - تقویت احساس تعلق هر چه بیشتر بچه‌ها به محیط مدرسه
 - استفاده از توانمندی و مهارت‌های اولیای دانش‌آموزان.
- با توجه به آنچه گفتیم، در ایام تعطیلات تابستان

می‌شود.

- برقراری روابط دوستانه میان گروه کودکان و میان آن‌ها و والدینشان و مربیانشان و همچنین آماده‌سازی کودکان برای زندگی اجتماعی از دیگر اهداف قصه‌گویی است.

- ایجاد گرایش به انجام دادن کارهای خوب در کودکان و درونی شدن ارزش‌ها در آنان به وسیله قصه‌ها به سادگی قابل اجراست؛ زیرا تأثیر قصه در ذهن کودک ماندنی است.

- استفاده از داستان روشی برای پرورش خلاقیت کودکان است و شما والدین می‌توانید از آن به عنوان یکی از شیوه‌های فرزندپروری خلاق بهره ببرید. بدین ترتیب که:

(الف) از او بخواهید داستانی بسازد و آن را نقاشی کند.

(ب) داستانی برای کودک بخوانید و سپس از او بخواهید دوباره آن را بازگو کند.

(ج) تصاویری از صحنه‌های مختلف یک داستان را به او نشان دهید و از او بخواهید که آن‌ها را به ترتیب بچیند و ماجرایشان را بازگو کند.

(د) داستانی را که برای او بازگو می‌کنید، نیمه‌کاره رها کنید و از او بخواهید کاملش کند.

این قبیل فعالیت‌ها سبب افزایش نیروی تفکر و نظم منطقی در اندیشیدن می‌شود. نباید فراموش کرد که این نکات تنها برخی از فایده‌های بی‌شمار قصه و قصه‌گویی است.

قصه‌ها ریشه در گذشته‌های دور دارند و از حال و احوال آدمی در سیر زندگی و کار و تلاش برای رسیدن به تعالی گواهی می‌دهند. استفاده از قصه‌ها در زندگی بشر همواره باعث ایجاد فضایی گرم و صمیمی شده و بر زندگی او مخصوصاً در دوران کودکی تأثیر شگرفی داشته است. در زیر به برخی از این تأثیرات اشاره می‌کنیم.

- تأثیر داستان‌ها دیر پاست. به کارگیری داستان به مثابه ابزار و مکمل دیگر روش‌های تربیتی خرجی ندارد و دشوار نیست. یافتن آن محتاج صرف وقت زیادی نیست و تأثیر آن بر ذهن کودک پیش‌دبستانی همچون نقش بر سنگ، ماندنی است.

- دل سپردن کودکان به قصه‌ها در حقیقت حس کنجکاوی آن‌ها را بیدار می‌کند.

- کودکان در زمانی که صرف شنیدن قصه‌ها می‌کنند، در حقیقت قدرت تفکر خود را افزایش می‌دهند و شنیدن فعال را می‌آموزند.

- قصه‌ها بزرگ‌ترین درس‌ها و تجربیات گذشتگان را در خود دارند و به همین سادگی آن‌ها را به خردسالان منتقل می‌کنند.

- در جریان قصه‌گویی، قصه‌گو از کودکان می‌خواهد نظرشان را ابراز کنند و این موضوع به رشد کلامی کودک کمک می‌کند.

- رشد احساسی، ناشی از پختگی احساسی است و با فراهم آوردن فرصت‌هایی نظیر گردش علمی، آزمایش پدیده‌ها، آشنایی با طبیعت، عادت به مطالعه، داستان‌خوانی و قصه‌گویی حاصل

قصه و کودک پیش‌دبستانی

نسرین قلمی

مربی پیش‌دبستانی منطقه ۵ تهران



بازی میان نقاشی و خواندن

فرهنگ فارسی تصویری من

مؤلف: مهناز عسگری

تصویرگر: کیوان اکبری

ناشر: محراب قلم، تهران

۸۸ صفحه، رنگی، چاپ اول، ۱۳۹۰



زوج مجموعه‌ای از تصاویر کوچکی آمده است که در تابلوی اصلی وجود دارند. از کودک خواسته می‌شود هر کدام از این تصاویر را در تصویر بالا پیدا کند. این بخشی از فعالیت‌های کتاب است که خود کودک نیز به تنهایی قادر به انجام آن هست اما در مقابل این تصاویر در صفحه فرد مقابل کلماتی که به تصویر بالا مربوطاند. مثل کلمه‌های کتاب فروشی، قنادی، رستوران یا پلیس در ذیل عنوان شهر، کشف رابطه میان تصاویر و کلمات و جست‌وجوی چشم و ذهن به‌طور هم‌زمان، علاوه بر افزودن به دایره لغات کودک و افزایش آگاهی و دانش او، تمرین چشمی مناسبی برای حرکت چشم کودکان است. در ضمن کودک پس از یافتن هر تصویر یا تصویر معادل کلمه، به سبب مشارکت فعال در امر یادگیری (بدون آنکه خود بداند) اعتمادبه‌نفس بیشتری در خود احساس می‌کند و جسارت پاسخ‌گویی براساس اکتشافات خود می‌یابد. در نهایت نیز به کمک یک والد یا مربی خلاق می‌توان در هر صفحه داستانک‌هایی برای حکایت یافت و به کمک کودک به آن شاخ و برگ داد.

در مدتی که کودک به هر تصویر نگاه می‌کند. اتفاقات زیادی در ذهن او می‌افتد. او جست‌وجوگری را تمرین می‌کند، درک بصری‌اش افزایش می‌یابد، رابطه معنایی واژه‌ها را بهتر می‌فهمد و قوه تخیلش گسترش می‌یابد.

در نیمه دوم کتاب به پیوست، صفحاتی آورده شده است که هر کدام بازی و یادگیری دیگری را معرفی می‌کند. صفحه الفبا با حروف و کلماتی که با آن حروف آغاز می‌شود، صفحه اعداد، شکل و رنگ، ساعت، فصل و ماه‌های سال، آب‌وهوا و... هر کدام از این صفحات شامل تصاویر گویایی است که می‌توان با سؤال از کودک آن را برای خردسالان فعال کرد و یا با قرار دادن تصاویر در معرض دید کودک، آن‌ها را به طرح سؤال واداشت.

ارتباط با این کتاب ساده و پرجاذبه است. تصاویر شامل جزئیات بسیاری است که باعث می‌شود بچه‌ها در هر بار جست‌وجو چیزهای تازه‌ای در آن کشف کنند. بچه‌ها این کتاب را کتابی میان بازی و نقاشی و خواندن می‌یابند. فعالیت‌های بسیاری را می‌توان حول محور این کتاب طراحی و یا با سرفصل‌های آن آغاز کرد.

در سال‌های اخیر، شمار کتاب‌هایی که برای خردسالان و کودکان پیش‌دبستانی تهیه و تولید می‌شوند، چشمگیر است. طبیعتاً این پدیده خجسته انتخاب را برای والدین و مربیان راحت‌تر اما حساس‌تر و دقیق‌تر کرده است. بازار کتاب این گروه سنی، از کتاب‌هایی که در دهه‌های روزنامه‌فروشی با چاپ بدون کیفیت و مطالب پالایش نشده و بعضاً ترجمه‌های اشتباه تا کتاب‌هایی با چاپ بسیار عالی و تصویرسازی‌های درخشان و متون قابل اعتنا و غنی از فرهنگ ایرانی را شامل می‌شود. ناشران در این حوزه، کتاب‌های داستانی و آموزشی و علمی تولید می‌کنند اما آنچه در این میان نادر یا کمیاب است، فرهنگ‌نامه‌های مناسب برای این گروه سنی است. البته نمونه‌های انگلیسی آن کم نیست اما کاری که از ابتدا تا انتها ایرانی باشد، نادر است.

در این میان، کتاب «فرهنگ فارسی تصویری من» یک نمونه درخشان است. ناشر این کتاب سال‌ها تجربه تولید فرهنگ‌نامه‌های علمی و ادبی برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان را دارد اما این کتاب برای گروه سنی پیش‌دبستان تولید شده است. از آنجا که این کتاب متعلق به خردسالانی است که هنوز به دبستان نمی‌روند، معنای واژه‌ها به‌صورت تصویر داده شده است.

واژه‌ها در چارچوب موضوع‌هایی مانند خانه، شهر، روستا، جنگل و دریا دسته‌بندی شده‌اند. به‌عنوان مثال، ذیل عنوان شهر، واژه‌های بانک، آرایشگاه، هتل،

مسجد و خیابان آمده است. این دسته‌بندی‌ها در صفحات روبه‌روی هم و کاملاً تصویری است و یادگیری لغات را در سطح دیگری از ذهن کودکان گسترش می‌دهد.

هر فصل کتاب که در دو صفحه روبه‌روی هم گنجانده شده، شامل یک تصویر یا تابلوی اصلی و جامع است که جزئیات فراوانی در آن لحاظ و تصویر شده است. در پایین هر صفحه



۴۸
روشن‌فروشی پیش‌دبستانی
مهرتاب
شماره ۱
پاییز ۱۳۹۲